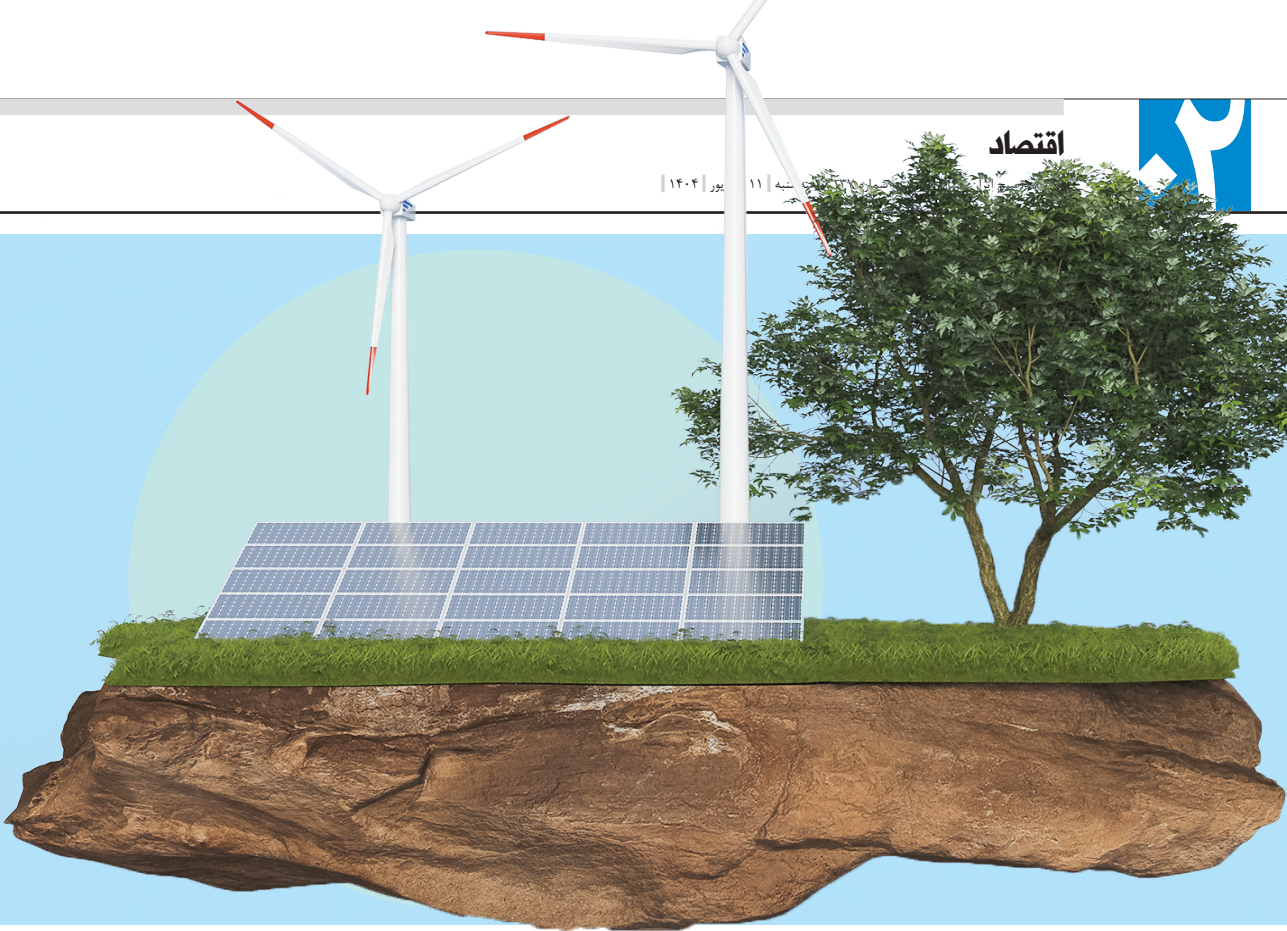




از قدیم رسم بر این بوده که برای جانداختن یک موضوع، باید به کرات آن را تکرار و به اصطلاح در باره آن تبلیغات کرد. موضوع ناترازی انرژی در کشور و مقصر اصلی آن، مصداق کامل این رسم قدیمی است. سال‌هاست که کشور از بی‌برنامگی و نداشتن استراتژی در همه زمینه‌ها، از جمله کشاورزی که بحران آب رارقم زده، گاز کشی بیهوده در کل کشور که بحران ناترازی گاز را ایجاد کرده و تکیه بر نیروگاه‌های سوختی به جای انرژی‌های تجدیدپذیر و نیز نداشتن راهبردی برای توسعه صنعتی که کمبود برق را باعث شده، رنج می‌برد اما در تمامی این سال‌ها، مسئولان همواره ارزان بودن انرژی در کشور و مصرف بی‌رویه مردم را دلیل این ناترازی خوانده‌اند.



حمید سلیمانی
هفت صبح

اگر هنوز با صدا و سیما و رسانه‌های داخلی قهر نکرده‌اید و همچنان، برخی از اخبار داخلی و خارجی کشور را از این طریق کسب می‌کنید، حتماً با بی‌شمار اظهار نظرهای مسئولان درباره بد مصرفی ایرانی‌ها در حوزه انرژی برخورد کرده‌اید؛ اظهاراتی که کمبود بنزین، برق، آب و گاز یا به تعبیر آنها، ناترازی انرژی را به ارزان بودن این کالاها در ایران منتسب می‌کنند و با اشاره به نقل قول قدیمی «مال مفت و دل بی‌رحم» معتقدند مردم ایران به خاطر ارزانی انرژی، منابع کشور را از بین برده‌اند؛ موضوعی که البته هیچ‌وقت از سوی این مقامات، به بوته راستی‌آزمایی قرار داده نشده ولی دستاویزی شده برای افزایش شدید رقم قبوض انرژی مردم در سال جاری.

روایت اول: بیمارستان بازرگانان و قبض برق

«بیمارستان بازرگانان تهران» در جنوب تهران واقع است؛ تقاطع خیابان ری با بزرگراه محلاتی. این بیمارستان براساس مسئولیت اجتماعی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران تأسیس شده و از سال ۱۳۲۸ با کمک‌های این نهاد به کار خود ادامه می‌دهد. ذکر این پیشینه برای موضوعی است که به تازگی درباره همین موضوع قبوض انرژی برای این بیمارستان رخ داده است. «محمود نجفی‌عرب» رئیس اتاق بازرگانی تهران که در روزهای اخیر، به صدور بی‌ضابطه قبوض برق در سال جدید، به خصوص تیر ماه، اعتراض کرده، روایتی ناب از گرانی بی‌ضابطه قیمت قبوض تعریف می‌کند. وی در جلسه صدوسیزدهم شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان تهران که با حضور مسئولان اجرایی و قانونگذاری برگزار شد، با بیان اینکه قطعی و هزینه‌های سنگین برق به معضلی جدی برای تولید تبدیل شده، گفت: بیمارستان بازرگانان تهران، امسال با قبضی دو میلیارد و ۶ میلیون تومانی مواجه شده در حالی که در ماه مشابه سال گذشته حدود ۲۲۰ میلیون تومان بابت هزینه مصرف برق پرداخت کرده بود و این در حالی ست که به دلیل وقوع جنگ ۱۲ روزه، در دوره مزبور حتی برق کمتری هم نسبت به ماه مشابه سال گذشته مصرف کرده بود. به عبارت دیگر، با وجود مصرف کمتر، قبض امسال این بیمارستان نزدیک به ۶ برابر شده یا معادل ۸۰۰ درصد افزایش قیمت!!

روایت دوم: مبنایی برای قیمت گذاری نیست

«حسین حبیبی» دبیر کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران و از فعالان صنفی قدیمی کارگری در تهران است. روایت این کارگر از مشکلاتی که قبوض انرژی برای وی و ساکنان ساختمان محل اقامت خانواده وی ایجاد شده و در یکی از خبرگزاری‌ها منتشر شده را با هم مرور می‌کنیم: «هامجموعاً ۱۲ نفر، در یک آپارتمان سه‌واحدی زندگی می‌کنیم. پیش از جنگ ۱۲ روزه، قبض آب برای دوره مصرف ۳۱ روزه بیش از ۵ میلیون تومان آمده بود. به خاطر این رقم غیرمنطقی، قبض را پرداخت نکردیم و تصمیم گرفتیم برای اعتراض اقدام کنیم اما درست همان موقع، جنگ ۱۲ روزه آغاز شد.» حبیبی ادامه می‌دهد: «بعد از پایان جنگ، قبض جدید با دوره مصرف ۳۸ روزه برآیمان صادر شد که مبلغ آن بیش از ۹ میلیون تومان بود. اعتراض کردیم، مأموران شرکت آب آمدند و بازدید کردند و گفتند که ما جزو ۵۰ درصد «بدمصرف‌ها» هستیم. توضیح دادیم که بمصرف‌مان هیچ تغییری نکرده اما گفتند شما دستشویی فرنگی دارید، شاید سواوسی هستید یا در مصرف آب دچار هدررفت هستید! اما ما نه وسواس داریم، نه هدررفت آب. حتی مشخص شد که تمام این فرضیات آنهایی اساس بوده. با این حال، نه تنها مبلغ ۹ میلیون تومان را کم نکردند، بلکه چند روز پیش پیامکی دریافت کردیم مبنی بر اینکه برای دوره ۷۱ روزه، قبضی بیش از ۱۰ میلیون تومان صادر شده است و به عبارتی دیگر، برای این سه دوره در مجموع ۱۰ میلیون تومان پول آب آمده است.» وی در پایان پرسشی مطرح می‌کند: «اگر این اعداد را کنار هم بگذارید، درواقع برای ۳۳ روز بعدی فقط کمی بیش از یک میلیون تومان محاسبه شده! بالاخره کدام عدد واقعی است؟ این عدم تناسب در قبض آب ما، نشان می‌دهد بدمصرف بودن ساختمان ما از اساس اشتباه است.»

رمزگشایی از افسانه بدمصرفی انرژی در ایران، وقتی همه بی‌تقصیرند جز مردم عادی

ناترازی انرژی گناه مردم یا خطای سیاست گذاری؟

مرغ مسئولان یک با دارد

مسئولان توضیحی غیر از بدمصرف بودن مردم در تشریح دلایل ناترازی انرژی ندارند. به تازگی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی هم در نشست تخصصی با جمعی از صنعتگران و فعالان اقتصادی شهرستان قوچان بر ضرورت اصلاح سیاست‌های قیمت گذاری آب، برق و گاز تأکید کرده و آن را عاملی کلیدی برای جلوگیری از آسیب به مردم و تولیدکنندگان دانست. «احمد میدری» ضمن بررسی چالش‌های مصرف انرژی و تولید در کشور با اشاره به مقایسه وضعیت ایران با دیگر کشورها اظهار کرد: در بسیاری از کشورهای دنیا با گاز دارند یا برق اما به‌ندرت هر دو به قیمت پایین عرضه می‌شود. در ایران قیمت انرژی به قدری پایین نگه داشته شده که مصرف بی‌رویه در بخش خانگی و صنعتی شکل گرفته است. غیر از روسیه، ارزان‌ترین گاز به تولیدکنندگان داده می‌شود و این باعث شده فناوری و بهره‌وری در تولید به شکل صحیح استفاده نشود. وی ادامه می‌دهد: خانه‌ها و ادارات ما همگی از کولر استفاده می‌کنند و مصرف انرژی بالاست. حتی مغازه‌ها در شب به اندازه یک روستا برق مصرف می‌کنند. در مقابل در کشورهای دیگر، حتی ساختمان‌های بدون سیستم تهویه پنکه مجاز به فعالیت نیستند این تفاوت نشان می‌دهد سیاست‌های گذشته در قیمت‌گذاری انرژی ناکارآمد بوده و اصلاح آن ضروری است. او در پایان می‌گوید: البته هدف ما مقصر دانستن گذشته نیست، بلکه ارائه راهکارهایی است که هم مردم آسیب نبینند و هم تولیدکنندگان تحت فشار قرار نگیرند. یکی از اقدامات در دست اجرا طرح جایگزینی بخاری‌های گازی با سیستم‌های کم‌مصرف است. اما آیا واقعا مصرف مردم در سال‌های اخیر، بی‌رویه افزوده شده و اساساً یا دلایل ناترازی در برق، آب و گاز مردم هستند یا سیاست‌های همین سیاست‌گذاران؟

برقی که برای ایرانی‌ها گران‌تر تمام می‌شود

حال نگاهی به قیمت برق خانگی در ایران می‌اندازیم. سال گذشته، مدیرعامل توانیر توضیحاتی درباره محاسبه قبوض برق ارائه و اعلام کرد که خانسوار ایرانی با مصرف ۸۰۰ کیلووات ساعت در ماه، باید حداقل یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان بپردازد. امسال، توانیر اعلام کرده که تعرفه برق فقط ۲۶ درصد اضافه شده است؛ یعنی مصرف ۸۰۰ کیلووات ساعت امسال برای خانواده‌ها، نزدیک به ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان آب خواهد خورد. بد



مردم تگزاس با یک سوم جمعیت ایران و شرایط مشابه آب و هوایی در فصل گرما سه برابر کل جمعیت ایران برق مصرف می‌کنند و هزینه برق مصرفی آنها پنج درصد در آمد ماهیانه‌شان است. مردم ایران ۲۰ درصد در آمدشان را برای برق هزینه می‌کنند

نیست نگاهی هم به وضعیت دستمزد خانوارهای ایرانی با هم‌تایان تگزاسی آنها بیاندازیم. حداقل مزد امسال برای ایرانی‌ها حدود ۱۲ میلیون تومان تعیین شد و با این حساب، اگر در ایران حداقل بگیر باشید و ۸۰۰ کیلووات ساعت در ماه برق مصرف کنید، باید حدود یک پنجم (۲۰ درصد) در آمدتان را بابت برق بپردازید. اما در تگزاس، حداقل مزد کارگران که مشابه حداقل مزد فدرال در آمریکاست، ماهی ۲۴۰۰ دلار است. اگر شما در تگزاس، ۸۰۰ کیلووات ساعت برق مصرف کنید، قبض برق شما ۱۲۰ دلار خواهد بود، یک‌بیستم در آمدتان یا همان ۵ درصد مزد.

سیاست گذاری که عدد را دوست ندارد

برای راستی‌آزمایی ادعای مسئولان مبنی بر مصرف بی‌رویه انرژی در کشور شاید بیش از هر موضوعی، بتوان به ارقام و آمار نگاهی انداخت، از اعداد مصرف برق و گاز در کشور گرفته تا آمار مربوط به ایجاد و ساخت واحدهای صنعتی، میزان تولیدات صنعتی و نیز تعداد منازل مسکونی تأسیس شده در کشور؛ چرا که بدیهی است از افزایش تولید سیمان و فولاد گرفته تا ساخت واحدهای مسکونی جدید، همگی بر میزان انرژی مصرفی کشور تأثیر می‌گذارد. برای گام نخست به میزان برق مصرفی کل کشور در سال‌های گذشته و میزان افزایش مصرف در سال‌های قبل نگاهی می‌اندازیم. طبق گزارش مرکز آمار ایران (برگرفته از وزارت نیرو)، کل فروش برق در کشور از سال ۱۳۹۶ تا سال ۱۴۰۲، رشدی تدریجی و آرام داشته طوری که رقم ۲۵۵ هزار و ۷۲۲ میلیون کیلووات ساعت سال ۱۳۹۶، در سال ۱۴۰۲ به ۳۳۲ هزار و ۸۱۹ میلیون کیلووات ساعت رسیده است که از افزایش ۳۰ درصدی مصرف و فروش برق طی ۶ سال خبر می‌دهد. در همین مدت زمانی اما مصرف برق خانگی تنها ۲۱ درصد رشد داشته که نشان می‌دهد رشد این بخش نسبت به سایر بخش‌ها، کمتر بوده است. در همین مدت زمانی یعنی از سال ۱۳۹۶ تا سال ۱۴۰۲،

مصرف گاز طبیعی در کشور از ۵۲۳ میلیون مترمکعب در روز به ۶۴۹،۷ میلیون مترمکعب افزایش یافته است؛ یعنی ۲۴ درصد رشد در مدت زمان شش سال.

۹۰۰ هزار خانه‌ای که انگار نباید مصرف کنند

در ابتدا، سراغ تعداد واحدهای مسکونی ساخته شده کشور در این بازه زمانی می‌رویم. طبیعی است که از زمان صدور پروانه ساختمانی تا پایان کار آن، بین یک تا دو سال زمان برای احداث و تکمیل آن، وقت لازم است لذا برای نگاه به برق و گاز مصرفی طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲، زمان را دو سال عقب می‌کشیم و تعداد پروانه‌های صادره ساختمانی طی بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ را محاسبه می‌کنیم تا متوجه شویم در این مدت، چه تعداد به خانه‌های مسکونی کشور اضافه شده است. طبق گزارش دفتر صنعت، معدن و امور زیربنایی مرکز آمار ایران، در این مدت، تعداد پروانه‌های صادر شده برابر ۵۶۴ هزار و ۵۶۴ مورد بوده که طبیعتاً به افزایش مصرف انرژی در کشور دامن زده‌اند؛ آماري که البته از دید مسئولان کشور مغفول می‌ماند.

گاز و برق نداریم اما مدام مجوز می‌دهیم

موضوع بعدی که نشان می‌دهد کشور تا چه میزان از فقر سیاست‌گذاری در حوزه انرژی برخوردار است به میزان صدور جوازها و پروانه‌های صنعتی در کشور بازمی‌گردد. طبیعتاً در کشوری که با ناترازی شدید در بخش انرژی مواجه است، صدور بی‌ضابطه این مجوزها که به نوعی ایجاد تقاضای بیشتر برای مصرف انرژی است، تنها با این هدف صورت می‌گیرد که در بیلان کاری مدیران وزارت صنعت، معدن و تجارت، اعداد بزرگ‌تری به چشم بخورد. براساس گزارش همین وزارتخانه، از سال ۱۳۹۶ تا سال ۱۴۰۲ مجموعاً ۲۰۰ هزار و ۲۳۱ جواز تأسیس واحدهای صنعتی، ۲۲ هزار و ۵۰۶ پروانه بهره‌برداری ایسادی و ۴۵ هزار و ۳۴۱ پروانه بهره‌برداری توسعه‌ای صادر شده است. موضوع تاسف‌بارتر اینکه در همین سال گذشته که صنایع کشور با ۲ تا ۳ روز قطع برق هفتگی در کشور دست و پنجه نرم می‌کردند، موتور شتابان صدور مجوزها آرام نگرفت و ظرف یک سال، ۱۸ هزار و ۲۸۰ جواز تأسیس، ۴ هزار و ۲۳۴ پروانه بهره‌برداری ایجاد و ۴ هزار و ۱۸۵ پروانه بهره‌برداری توسعه‌ای صنعتی صادر شد که معنایی جز ایجاد تقاضای بیشتر در حوزه انرژی، با وجود این همه ناترازی موجود، نداشته‌اند.

آماري که دیده نمی‌شوند

صنایع کشور به دلیل عدم استفاده از تکنولوژی‌های نوین، بهره‌برداری نامناسب از ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی و فرسوده بودن ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی جزو به‌صرف‌ترین‌های انرژی به حساب می‌آیند. براساس اعلام سازمان بهره‌وری انرژی ایران، در این میان، صنایع آهن و فولاد بیشترین میزان مصرف برق را دارند طوری که به طور متوسط با سهم ۴۵ درصدی مصرف صنعتی، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده و پس از آن صنعت سیمان با متوسط مصرف ۱۶ درصد در جایگاه بعدی قرار دارد. بررسی آمار مصرف گاز صنایع در ایران هم نشان می‌دهد که چهار صنعت اصلی، یعنی فلزات اساسی، محصولات شیمیایی، انرژی و فرآورده‌های نفتی، سهم عمده‌ای از مصرف گاز را در اختیار دارند و این چهار صنعت در مجموع ۹۲ درصد از کل گاز مصرفی صنایع را به خود اختصاص داده‌اند. فلزات اساسی با سهم ۳۸ درصدی، بیشترین مصرف‌کننده گاز است و پس از آن، صنایع محصولات شیمیایی با ۱۹ درصد، صنایع انرژی با ۱۸ درصد و فرآورده‌های نفتی با ۱۷ درصد قرار دارند. طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲، تولید فولاد خام از ۲۰ میلیون و ۸۲۵ هزار تن در سال به ۳۲ هزار و ۱۰۸ هزار تن (۵۴ درصد رشد)، سایر محصولات فولادی از ۱۸ میلیون و ۹۸۶ هزار تن به ۲۱ میلیون و ۵۸۵ هزار تن (۱۴ درصد رشد)، سیمان از ۵۴ میلیون و ۶۹۸ هزار تن به ۷۱ میلیون و ۴۳۹ هزار تن (۲۱ درصد) و محصولات پتروشیمی از ۵۴ میلیون تن در سال ۱۳۹۶ به ۷۱ میلیون تن در سال ۱۴۰۲ رسیده که نشان از ۳۱ درصد رشد تولید دارد.

دیوار کوتاه مردم و

دیوار بلند حاشای مسئولان

نبود یک استراتژی توسعه صنعتی در کشور، این روزها بیش از همیشه معلوم شده است. در حالی که کشور با ناترازی شدید انرژی به دلایل مختلف، از افزایش تعداد واحدهای مسکونی کشور گرفته تا افزایش تولیدات صنعتی روبه‌روست و با مجوزهای صادره که همگی رشد تقاضا را در پی دارند و با توجه به درج‌ازدن تولید برق و گاز، ناترازی‌ها را شدیدتر هم خواهند کرد، مشخص نیست که چرا مسئولان کشور، انگشت اتهام ناترازی در حوزه انرژی را به سمت مردم و مصرف‌کنندگان خانگی دراز می‌کنند؟ البته این تدبیر مسئولانه، تاکنون بد هم عمل نکرده است. تمامی قصور و کوتاهی‌ها در حوزه تدوین استراتژی صنعتی و افزایش ظرفیت زیرساخت‌های حیاتی کشور، به دوش مردم افتاده و در این بین، با افزایش تصاعدی و نجومی قیمت قبوض انرژی در کشور، تاوان تمامی اشتباهات حال و گذشته بر گردن مردم افتاده است.



حضور پزشکيان در سازمان همکاري شانگهای با ۴۰ درصد جمعيت جهان و یک‌سوم اقتصاد جهاني

ديپلماسي ايراني روي ريل چيني

تهران با تأکید بر روابط راهبردی با چین و روسیه عبور از انزوای تحمیلی را می‌آزماید

حسین فاطمی
هفت صبح

سفر مسعود پزشکیان به چین برای شرکت در بیست‌وپنجمین نشست سازمان همکاری شانگهای و نشست تکمیلی شانگهای پلاس، نقطه‌ای راهبردی در دیپلماسی چندجانبه ایران به شمار می‌رفت. این سفر نه تنها نخستین حضور رئیس‌جمهور جدید ایران در خاک چین بود، بلکه در شرایطی انجام شد که شکاف میان نظم چندقطبی در حال ظهور و سیاست‌های یکجانبه‌گرایی غرب عمیق‌تر شده است. سازمان همکاری شانگهای که در دهه ۹۰ میلادی با هدف اعتمادسازی امنیتی میان چین، روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی پایه‌گذاری شد، اکنون به نهادی چندوجهی با ابعاد امنیتی، اقتصادی و فرهنگی تبدیل شده و حدود ۴۰ درصد جمعیت جهان و نزدیک به یک‌سوم تولید ناخالص جهانی را در بر گرفته است.

برای جمهوری اسلامی ایران، عضویت در این سازمان و مشارکت فعال در نشست‌های آن با توجه به مقطع حساس فعلی و سایه سنگین مکانیسم ماشه بر دیپلماسی تهران، فرصتی بود برای خروج از محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، تقویت روابط با شرکای شرقی و تثبیت نقش خود در معادلات اوراسیا. حضور رهبران چین، روسیه، هند و دبیرکل سازمان ملل در شانگهای پلاس به اجلاس امسال وزنی جهانی بخشید و امکان نقش‌آفرینی ایران را در سطحی فراتر از منطقه فراهم ساخت. پزشکيان در این سفر بر روابط راهبردی تهران و پکن و ضرورت مقابله جمعی با یکجانبه‌گرایی تأکید کرد؛ موضعی که نشان می‌دهد ایران در

پی آن است تا جایگاه خود را به‌عنوان حلقه‌ای مهم در زنجیره همکاری‌های انرژی، امنیتی و ترانزیتی تثبیت کند. با این حال، بهره‌گیری کامل از فرصت‌های شانگهای همچنان مستلزم رفع موانع زیرساختی، بانکی و هماهنگی سیاسی میان اعضاست.

شانگهای؛ از همکاری امنیتی تا سازمانی چندوجهی
سازمان همکاری شانگهای در سال ۱۹۹۶ با هدف کاهش تنش‌های مرزی و اعتمادسازی نظامی میان چین، روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی تأسیس شد و در سال ۲۰۰۱ به‌طور رسمی شکل گرفت. این سازمان در ابتدا کارکردی محدود به حوزه امنیتی داشت، اما به‌مرور دامنه فعالیت خود را به حوزه‌های اقتصادی، انرژی، ترانزیت، مقابله با تروریسم و حتی همکاری‌های فرهنگی گسترش داد.

در دو دهه اخیر، با پیوستن قدرت‌هایی همچون هند، پاکستان و ایران، شانگهای از یک سازمان منطقه‌ای به نهادی با وزن ژئوپلیتیکی و اقتصادی جهانی بدل شده است. امروزه بیش از ۴۰ درصد جمعیت جهان در قلمرو کشورهای عضو آن زندگی می‌کنند و این کشورها حدود یک‌سوم تولید ناخالص جهانی را در اختیار دارند. از همین رو، عضویت ایران در این سازمان به معنای ورود به باشگاهی است که می‌تواند معادلات قدرت جهانی را تحت تأثیر قرار دهد.

جایگاه ایران در شانگهای و اهداف سفر پزشکيان
ایران پس از سال‌ها انتظار و طی مراحل پیچیده حقوقی و سیاسی، در تیرماه ۱۴۰۲ به عضویت کامل سازمان همکاری

شانگهای درآمد. این عضویت از منظر تهران دارای دو بُعد مهم بود؛ نخست، بعد سیاسی که با آن می‌توانست سیاست انزوای تحمیل‌شده از سوی آمریکا و اروپا را به چالش بکشد و دوم، بعد اقتصادی که فرصت‌های ترانزیتی، انرژی و تجاری گسترده‌ای را در برابر ایران قرار می‌داد.

سفر مسعود پزشکیان به تیانجین چین در شهریورماه ۱۴۰۴، نخستین سفر وی به شرق آسیا و در عین حال، نخستین حضورش در قاصت رئیس‌جمهور در یک اجلاس چندجانبه بزرگ بود. او در سخنان خود روابط ایران و چین را «راهبردی» خواند و بر ضرورت مقابله جمعی با یکجانبه‌گرایی تأکید کرد. این مواضع نشان می‌داد که دولت جدید ایران قصد دارد با تکیه بر ظرفیت‌های شرق، سیاست خارجی فعال‌تر و متوازن‌تری را دنبال کند.

شانگهای پلاس؛ بُعدی فراتر از اوراسیا

یکی از ویژگی‌های برجسته نشست تیانجین، برگزاری اجلاس «شانگهای پلاس» بود. این نشست با حضور بیش از ۳۰ کشور و شخصیت‌های برجسته بین‌المللی از جمله آنتونیو گوتش، دبیرکل سازمان ملل متحد برگزار شد. شانگهای پلاس نشان داد که سازمان همکاری شانگهای دیگر صرفاً نهادی اوراسیایی نیست، بلکه به سکویی جهانی برای گفت‌وگو و همگرایی تبدیل شده است.

حضور همزمان رهبران قدرت‌های بزرگی همچون چین، روسیه، هند و ایران همراه با نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی، وزن جهانی اجلاس را افزایش داد. برای چین، این نشست فرصتی

حمایت سیاسی در برابر تهدیدات امنیتی و تحریم‌ها. به‌ویژه پس از محکومیت حمله اسرائیل به ایران در خرداد ۱۴۰۴، مشخص شد که شانگهای می‌تواند در بزنگاه‌های امنیتی نیز پشتیبان ایران باشد.

پیامدهای راهبردی سفر تیانجین برای دیپلماسی ایران

حضور مسعود پزشکیان در اجلاس شانگهای را می‌توان نقطه‌ای مهم در سیاست خارجی دولت جدید ایران دانست. این سفر پیامدهای کلیدی متعددی داشت که از آن جمله می‌توان به تثبیت دیپلماسی نگاه به شرق و نشان دادن تعهد عملی به چندجانبه‌گرایی، تقویت روابط ایران و چین در حوزه‌های اقتصادی، انرژی و امنیتی و کاهش اثر سیاست‌های انزوای غربی از طریق مشارکت فعال در سازمانی با وزن جهانی همچنین ایجاد زمینه برای حضور ایران در پروژه‌های توسعه‌ای مشترک که شانگهای تا سال ۲۰۳۵ هدف‌گذاری کرده است، نام برد.

در نهایت، این سفر نشان داد که ایران قصد دارد با استفاده از ظرفیت سازمان همکاری شانگهای، جایگاه خود را در نظم نوین جهانی ارتقا دهد. هرچند مسیر پیش‌رو با موانع متعددی روبه‌روست اما حضور فعال در شانگهای می‌تواند ایران را از حاشیه به متن معادلات اوراسیایی و جهانی منتقل کند. نشست شانگهای و شانگهای پلاس در تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این معادلات را نیز آشکار ساخت. سفر مسعود پزشکیان فرصتی بود تا سیاست خارجی ایران در قالب چندجانبه‌گرایی فعال‌تر شود و روابط با قدرت‌های شرقی تحکیم یابد. افزوده شدن بُعد هسته‌ای در سخنان عباس عراقچی نیز نشان داد که تهران قصد دارد حساس‌ترین موضوع سیاست خارجی خود را در بستر چندجانبه‌گرایی مطرح و مدیریت کند.

مدیریت تریب، اگرچه چالش‌ها همچنان پابرجاست اما ایران

روانسته بود در اجلاس تیانجین به‌عنوان بازیگری اثرگذار ظاهر

شود؛ بازیگری که می‌کوشد با تکیه بر ظرفیت‌های شرقی، نه تنها

محدودیت‌های تحریمی را کاهش دهد بلکه نقش خود را در نظم

جهانی آینده تثبیت کند.

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در

تیانجین نه تنها اهمیت روزافزون اوراسیا

در معادلات جهانی را برجسته کرد، بلکه

ظرفیت‌های ایران برای نقش‌آفرینی در این

معادلات را نیز آشکار ساخت

نشست شانگهای و شانگهای پلاس در



فروپاشی رفاقت‌های مردانه

دوستی‌های مردان در جهان کوچک‌تر می‌شود و بار عاطفی بیشتری بر دوش زنان می‌افتد



در روزگار پرشتاب امروز، جایی که شبکه‌های اجتماعی بیش از آنکه پیوندها را محکم کنند، اغلب به فاصله و انزوای دامن می‌زنند، مردان بیش از پیش در حضاری از تنهایی گرفتار شده‌اند. پژوهش‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که طی سه دهه گذشته، شمار دوستان صمیمی مردان در آمریکای شمالی، اروپا و دیگر نقاط جهان رو به کاهش گذاشته‌است؛ در حالی که برخلاف این روند، زنان همچنان توانسته‌اند شبکه‌های پایدار و متنوعی از دوستی و رفاقت برای خود حفظ کنند. بر اساس نظرسنجی یکی از معتبرترین مراکز افکارسنجی آمریکا، امروزه ۱۵ درصد مردان آمریکایی هیچ دوست نزدیکی ندارند؛ آماری تکان‌دهنده که نسبت به سال ۱۹۹۰ رشدی ۵ برابری را نشان می‌دهد. شرایط در بریتانیا نیز مشابه است: یک‌سوم مردان بریتانیایی دیگر از رفاقت‌های عمیق گذشته بی‌بهره‌اند. این پدیده که از آن با عنوان «رکود دوستی» یاد می‌شود، نه تنها سلامت روانی مردان را تهدید می‌کند، بلکه بر روابط عاطفی نیز سایه می‌اندازد؛ چرا که زنان، طبق تحقیقات، ناگزیر می‌شوند بار سنگین‌تری از حمایت عاطفی را به دوش بکشند. آنجلیکا پوزو فراره، استاد دانشگاه استنفورد، این وضعیت را «نگهبانی مردانه» می‌نامد؛ اصطلاحی که به معنای جبران خلأ دوستی‌های مردانه از سوی زنان است.

مردان و درونی‌سازی الگوهای سنتی

این روند جهانی است. در سوئیس، مارکوس تونرت، کارشناس جنسیت و مسائل مردان، توضیح می‌دهد که پسران و مردان جوان پیام‌های سنتی و مضر آمارها نشان می‌دهد که زنان به‌طور متوسط روزانه دو ساعت بیشتر از مردان کار بدون دستمزد در خانه انجام می‌دهند؛ بخشی از این کارها مربوط به «مدیریت عاطفی» خانواده است. مطالعات روزانه نشان می‌دهد این وضعیت باعث تقویت احساس نابرابری در روابط می‌شود؛ جایی که زنان ناچارند نه تنها احساسات خود، بلکه احساسات شریک زندگی‌شان را نیز مدیریت کنند. در محیط کار نیز، زنان اغلب در مشاغل مرتبط با مراقبت و آموزش فعال‌اند؛ عرصه‌هایی که ماهیت عاطفی قوی‌تری دارند و بار مضاعفی بر دوش آنها می‌گذارد. روایت‌های شخصی در شبکه‌های اجتماعی نیز این واقعیت را تأیید می‌کند. برخی زنان می‌نویسند: «مردان فقط در برابر ما آسیب‌پذیر می‌شوند و این فشار زیادی بر رابطه وارد می‌کند.»

از مفهوم «مردانگی» را درونی می‌کنند: از جمله پنهان کردن ضعف، حل کردن مشکلات به تنهایی و پرهیز از کمک گرفتن. به همین دلیل، وقتی روابط عاطفی عاشقانه پایان می‌گیرد، مردان نه تنها شریک زندگی خود را از دست می‌دهند، بلکه تنها تکیه‌گاه عاطفی‌شان را نیز از کف می‌دهند. تونرت هشدار می‌دهد: «دوستان حکم آینه‌ای مستقل را دارند؛ اما اگر تنها دوست صمیمی یک مرد همسر یا شریکش باشد، باز دست رفتن این رابطه همه چیز فرو می‌ریزد.» چنین وضعیتی در آمریکای شمالی بسیار مشهود است؛ جایی که بسیاری از مردان میانسال تمام اتکای عاطفی‌شان را بر همسرشان بنا می‌کنند.

کار عاطفی نابرابر زنان

آمارها نشان می‌دهد که زنان به‌طور متوسط روزانه دو ساعت بیشتر از مردان کار بدون دستمزد در خانه انجام می‌دهند؛ بخشی از این کارها مربوط به «مدیریت عاطفی» خانواده است. مطالعات روزانه نشان می‌دهد این وضعیت باعث تقویت احساس نابرابری در روابط می‌شود؛ جایی که زنان ناچارند نه تنها احساسات خود، بلکه احساسات شریک زندگی‌شان را نیز مدیریت کنند. در محیط کار نیز، زنان اغلب در مشاغل مرتبط با مراقبت و آموزش فعال‌اند؛ عرصه‌هایی که ماهیت عاطفی قوی‌تری دارند و بار مضاعفی بر دوش آنها می‌گذارد. روایت‌های شخصی در شبکه‌های اجتماعی نیز این واقعیت را تأیید می‌کند. برخی زنان می‌نویسند: «مردان فقط در برابر ما آسیب‌پذیر می‌شوند و این فشار زیادی بر رابطه وارد می‌کند.»

راهی برای رهایی

با این همه، کارشناسان معتقدند که امید وجود دارد. آنها توصیه می‌کنند از کودکی به پسران پیام‌وزیم که هویت جنسیتی قالبی خشک و تغییرناپذیر نیست، بلکه قابل شکل‌دهی است. زنان نیز می‌توانند با تعیین مرزهای روشن، بار عاطفی بیش از حد را بازگو کنند و از شریک خود بخواهند شبکه‌ای مستقل از دوستان برای خود بسازد. مردان نیز باید آگاهانه به پرورش دوستی‌های عمیق با هم‌جنس خود روی آورند؛ اقدامی که نه تنها به نفع خودشان، بلکه به سود تعادل و سلامت روابط عاطفی خواهد بود. در نهایت، شکستن این قلعه تنهایی، آزادی و رهایی را برای مردان به همراه خواهد داشت و روابط انسانی را در مسیر سالم‌تری پیش خواهد برد.

رامتین لطیفی دبیر بین‌الملل

وضعیت شغلی و معیشت کارگران آمریکایی در میانه قرن نوزدهم میلادی وضعیت سخت و رقت‌انگیزی بود. آنها مجبور بودند روزی ۱۲ ساعت کار کنند و در این بین تنها نیم ساعت در روز اجازه خوردن ناهار و استراحت داشتند. به این شرایط باید این نکته را هم اضافه کرد که در آمریکای قرن نوزدهم خبری از روزهای تعطیل و مرخصی نبود و کارگران می‌بایست ۷ روز هفته و ۳۶۵ روز سال بدون لحظه‌ای مرخصی کار می‌کردند. در آن دوران بروز شرایطی ویژه‌ای مانند بارداری کارگران زن یا آسیب‌دیدگی حین کار و ابتلای کارگران به بیماری‌های مختلف برابر با اخراج از محل کار بود. به علاوه قوانینی مبتنی بر شرایط سنی در استخدام کارگران وجود نداشت و اغلب کودکان مهاجر بالاتر از ۵ ساله همراه والدین‌شان و پا به پای آنها با نصف حقوق دریافتی یک بزرگسال در کارخانه‌های آمریکایی مشغول کار بودند.

روز کارگر

با افزایش فعالیت‌های سندیکاهای کارگری و جنبش‌های چپ جهانی، کارگران آمریکایی نیز موضع فعالانه‌تری نسبت به شرایط شغلی و حقوق خود گرفتند. بخش رادیکال‌تر اتحادیه‌های کارگری آمریکا گروهی به نام شوالیه‌های کارگر را تأسیس کردند و تظاهرات‌های متعددی را در ایالت‌های مختلف آمریکا ترتیب دادند. پس از این اتفاقات سندیکاهای کارگران پیشنهاد دادند روزی به نام روز کارگر در تقویم رسمی کشور به عنوان یک روز تعطیل عمومی ثبت شود. گزارر کلیولند، بیست و چهارمین رئیس‌جمهور آمریکا که از ورود اعتراضات کارگران آمریکایی به کانال‌های کمیونیتی و آنارشیستی‌واهمه داشت، روزی متفاوت از روز جهانی کارگر را در تقویم آمریکا به عنوان روز کارگر ثبت کرد. بدین ترتیب از سال ۱۹۸۴ به بعد اولین دوشنبه ماه سپتامبر به نام روز کارگر در آمریکا شناخته می‌شود.

جشن پایان تابستان

اتحادیه‌ها صنفی و سندیکاهای کارگری توانستند قانون کار در آمریکا را اصلاح کنند و از قرن بیستم و سال ۱۹۱۶ به بعد ساعات کار از ۱۲ ساعت به ۸ ساعت کاهش یافت و روزهای شنبه و یکشنبه نیز به عنوان روز تعطیل کاری برای تمام کارگران به رسمیت شناخته شد. این تغییرات سبب شد که ابتدا کارگران احساس

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



چشمان نگران کیم نواک

کیم نواک، ستاره افسانه‌ای هالیوود، از فیلم بیوگرافی جدیدش با عنوان احتمالی «رسوایی اور» که سیدنی سوئینی در آن نقش او را ایفا می‌کند، ابراز نگرانی کرد. این فیلم به رابطه پر حاشیه نواک با سمی دیویس جونبور، خواننده و بازیگر معروف گروه «رت‌پک»، در دهه ۱۹۵۰ می‌پردازد. نواک در مصاحبه‌ای با «گاردین» گفت: «این رابطه به هیچ وجه یک رسوایی نبود. ما عاشق هم بودیم و اشتراکات عمیقی داشتیم، مثل نیاز به پذیرفته شدن به خاطر خودمان، نه ظاهرمان.» او نگران است که فیلم، این رابطه را به هوا و هوس‌های سرخوشانه تقلیل دهد. نواک دیویس در اوج شهرت، در برنامه «استیو آلن» آشنا شدند. رابطه آنها خشم‌هری کوهن، رئیس استودیوی کلمبیا پیکچرز را برانگیخت. در سال ۱۹۵۸، انتشار اخباری درباره قصد ازدواج آن‌ها در روزنامه‌ای شکیبایی‌گویی، جنجال بزرگی در هالیوود به پا کرد. آن‌ها این خبر را تکذیب کردند و در کمال شگفتی، دیویس ۹ روز بعد با لوری وایت ازدواج کرد.



در قلب غزه، جایی که خاک با خون و مقاومت درآمخته، ابو عبیده، صدای نافذ گردان‌های القسام، دیگر خاموش شد. او که با چفیه سرخ و کلمات آتش‌بنش، نماد ایستادگی فلسطین بود، در حمله‌ای بی‌رحمانه در محله الرمال غزه، همراه با ۲۰ تن دیگر، جان باخت. او برای جهان عرب همچون اسطوره‌ای بود که بیانیه‌هایش، چون رعد، رژیم صهیونیستی را به چالش می‌کشید و امید را در دل مظلومان زنده نگه می‌داشت. هرچند هویتش پنهان بود اما پیام ابو عبیده جهانی شد: مقاومت، تنها راه است. اکنون، جای خالی او در میان فلسطینیان، شکافی عمیق است اما میراثش، چون شعله‌ای خاموش نشدنی، همچنان می‌سوزد.

ینگه دنیا

روز کارگر آمریکا؛ جشن یا مبارزه؟

کارگران در ینگه دنیا متحد نمی‌شوند بلکه دوشادوش هم خوش می‌گذرانند



موسیقی و آتش‌بازی و جشن در سراسر شهر برگزار می‌شود تا دولت‌مردان آمریکایی به اطمینان کافی برسند که کارگران هیچ فرصتی برای اندیشیدن به جنبش‌های چپ در این روزها ندارند.

عزای تنبل‌ها، جشن شکموها

در لایه‌های جشن‌ها و چهره‌های خندانی که در گوشه و کنار شهر در این روز می‌بینیم احتمالا به چهره بچه‌هایی برمی‌خوریم که نه تنها خوشحال نیستند بلکه تا حدودی غمگین و ناراحتند چرا که روز کارگر نویددهنده شروع سال جدید تحصیلی و آغاز به کار مدرسه‌هاست. البته این روز را می‌توان روز باربیکیو نیز نام نهاد چرا که شورای ملی سوسیس و هات‌داگ آمریکا روز کارگر را به عنوان روز کباب کردن سوسیس و هات‌داگ نام گذاشته و این شورا هر ساله به مناسبت این روز ۷.۵ میلیون هات‌داگ در سراسر آمریکا کباب می‌کند.

تنیده در چرخ‌دنده‌های سیاسی

مسئله معیشت کارگران از جمله مسائلی در آمریکاست که با منازعات سیاسی گره خورده و در تمامی این سال‌ها دود این دعواها تنها به چشم کارگران رفته است. با مرور بر روند تئورینی دستمزدها در آمریکا در می‌یابیم حداقل دستمزد از ۰.۲۵ دلار در هر ساعت در سال ۱۹۳۳ که به نرخ امروز معادل ۴.۸۱ دلار در ساعت است، به ۷.۲۵ دلار در هر ساعت در سال ۲۰۰۹ رسید. با تغییرات اقتصادی و افت و خیزهای گوناگونی که جهان و آمریکا در این ۱۳ سال از سر گذراندند، این نرخ مصوب تغییری پیدا نکرد و این میزان حقوق برای هر ساعت کار همچنان پایر جاست.

در دل شب یکشنبه، زمین زیر پای مردم شرق افغانستان شکافته شد؛ زلزله‌ای ویرانگر به بزرگی ۶ ریشتر که کوه‌های کنر و ننگرهار را به لرزه درآورد و روستاهایی را یکجا بلعید. هلیکوپترها در میان ابرهای گرد و غبار پرواز می‌کنند، امدادگران با دستان خالی آوار را می‌کاوند و فریادهای زابانداگان در دره‌های دور افتاده پیچیده: «کمک! خانواده‌ام زیر خاک است!» این فاجعه که در عمق تنها ۸ کیلومتری زمین رخ داد، تا لحظه ثبت این گزارش بیش از ۸۰۰ زندگی را گرفت و هزاران نفر را زخمی کرد، آماري که با هر دقیقه و هر ساعت افزایش می‌یابد. بفرنج‌تر آنکه در حالی که رانش زمین راه‌ها را مسدود کرده، پس‌لرزه‌ها امید را می‌لرزاند و سبب سختی امدادرسانی شده است. روستاهای شولت، اريت، ماماگل و دیوارو در شهرستان نورگل کتر، به گفته مقامات، «به‌طور کامل نابود شده‌اند»؛ خانه‌های گلی که همچون کاخ‌های کاغذی فرو ریختند و خانواده‌ها را در خواب بر مگراب ابدی‌شان دفن کردند. یکی از شاهدان محلی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «کل روستا و مردمش زیر آوار دفن شدند.» روستایی که به گفته او به‌طور کامل زیر آوار رفته، محل زندگی کودکان و زنان و خانواده‌های متعددی بود.

در این شب شوم شاهد تصاویر دلخراشی نیز بودیم؛ مادری که فرزند خردسالش را از زیر سنگ‌ها بیرون می‌کشد، دانشجویان دانشگاه کتر که از ساختمان‌ها پریده و زخمی شدند و امدادگرانی که با هلیکوپتر زخمی‌ها را به بیمارستان‌های ننگرهار منتقل می‌کنند. طالبان اعلام کرده که تیم‌های امدادی

کیوسک



نیویورک پست آمریکا، تیترو و عکس اصلی خود را به صدمه دیدن رودی جولیانی، شهردار سابق نیویورک، وکیل پیشین و دوست صمیمی پرحاشیه ترامپ در یک سانحه رانندگی اختصاص داد.

فانینشال تایمز انگلیس، تیترو اصلی

خود را به ادعای اورسلا فون درلاین مبنی بر تصمیم اروپا برای تدوین نقشه راه استقرار نیرو در اوکراین اختصاص داد، تصمیمی که ممکن است روسیه را خشمگین‌تر کند.



● **نفس بازغی: کاراکتر این نمایش و خانواده‌اش از من دور است. به نظر هم‌نسل‌های من نیز این تجربه را نداشتند، جالب بود بدانم در چنین موقعیتی چه کاری باید انجام دهم**

● **پویا نوروزی: تئاتر کم‌دی سخت‌تر از خود تئاتر است. مخصوصا که نمونه تئاترهای کم‌دی ناموفق از موفق بیشتر است**

● **پارسا امیری زاد: در چند سال اخیر سلیقه مخاطبان تغییر کرده، تلاش کردیم مخاطب با کم‌دی متفاوتی از آنچه می‌شناسد روی صحنه تئاتر مواجه شود**

● **میثم نوروزی: تلاش کردیم این کار کم‌دی ملموسی باشد، مخاطب یک خانواده ایرانی آشنا روی صحنه می‌بیند بدون استفاده از فضای چرکی که همراه کم‌دی است**

نگاهی به تئاتر کم‌دی «صلح عباس آباد»

امروز خندانند مردم سخت‌تر از گریانند آنهاست



امیری زاد: حتی از منظر تولید چنین اثری کار سخت‌تری دارد. این روزها خندانند آدم‌ها خیلی سخت‌تر از گریه انداختن‌شان است. پس باید کارت خیلی درست باشد که این اتفاق بیفتد؛ بچه‌ها دقیقا همین کار را می‌کنند. قرار است مخاطبی که امروز دغدغه مسائل اقتصادی و اجتماعی دارد و با ذهن درگیر وارد سالن می‌شود را فارغ از تمام مسائل با خود همراه کنیم و بخندانیم. این قطعا کار سختی است.

● **به نظر می‌رسد امروز تئاتر کار کردن سخت‌تر از قبل شده است.**

پویا نوروزی: بله. کار بسیار سختی شده، ۷، ۶ ماه تمرین می‌کنید، وقت می‌گذارید، هزینه می‌کنید تنها برای ۳۰ شب اجرا. حالا این ۳۰ شب اجرا چطور پیش رود مهم است. دلار بالا و پایین نشود، خلیج فارس طوری نشود. این تنها تأثیر گذاری اتفاقات بیرونی روی تئاتر است. ما هیچ شبی نمی‌دانیم فردا قرار است چه اتفاقی بیفتد و چه چیزی پیش روی ماست. بسیار ناراحتیم که تئاتر چنین شرایطی دارد. هیچ سوسپیدی برای بچه‌های تئاتر نیست، هیچ آینده مشخصی برای بچه‌های تئاتر وجود ندارد. چند ماه تمرین می‌کنید، یک نمایش روی صحنه می‌برید، گاهی حتی به اجرا نمی‌رسید. این شغل اصلا امنیت ندارد، هیچ چیز در آن مشخص و قابل پیش‌بینی نیست. البته وقتی روی صحنه هستیم به هیچ‌کدام از این‌ها فکر نمی‌کنیم و فقط لذت می‌بریم، اما بعد از اجرا با این سوال مواجه می‌شویم، «برایم چه کار می‌کنیم».

امیری زاد: در تئاتر، عموما منفعت مالی وجود ندارد. اینکه چندماه وقت و زندگی‌ات را برای این میزان آورده مالی بگذار به هیچ توجیهی ندارد. با این وجود لحظه اجرا برای همه فقط لذت است.

میثم نوروزی: این داستان همه تئاترهاست. این مسئله دغدغه همه ما است که چرا نباید حمایتی وجود داشته باشد. ضمن اینکه هر زمان اتفاقی به لحاظ سیاسی یا اجتماعی در کشور می‌افتد اولین تصمیم تعطیلی تئاتر است. من با وجود علاقه و عشقی که به تئاتر دارم، بارها سراغ کارهای دیگر رفته‌ام، چون تئاتر تعطیل بوده و خب نمی‌توانستم بیکار بمانم. این مشکل بزرگ و همیشگی تئاتر است.

● **برای آخرین سوال، اگر قرار باشد این نمایش را در یک جمله بگویید، هر کدام چه می‌گویید.**

امیری زاد: یک جمله در فیلم «گادفادر» هست که می‌گوید خانواده همه چیز است. در ذهن من، این قصه همین جمله است. خانواده ریشه هر فرد است که هر چه از خودش بروز می‌دهد از دل همان خانواده بیرون آمده.

در نمایش، ما هم همین را می‌گوییم. بازغی: من هم معتقدم خانواده همه چیز آدم است و کسی جز خانواده برای فرد نمی‌ماند.

میثم نوروزی: بر خلاف بچه‌ها که از خانواده گفتند می‌خواهم بگویم، تئاتر بسیار وابسته به مخاطب است. همه این تلاش‌هایی که کردیم و حتی حرف‌هایی که زدیم نیازمند این است که مخاطب به سالن بیاید و نمایش را ببیند. به همین خاطر دوست دارم که از همه دعوت کنم بیایند نمایش را ببینند و نظر و نقدشان را بهمان بگویند.

پویا نوروزی: چند نفر از مخاطبان ما، چندباری به دیدن نمایش آمده‌اند و بار بار افراد تازه‌ای با خود به سالن آورده‌اند. این برایم جالب بود که چرا این اتفاق می‌افتد، متوجه شدم ما حرف‌هایی می‌زنیم که مثلا او به عمویش نمی‌تواند بگوید پس عمو را می‌آورد تا حرف‌های خودش را به واسطه اجرای ما به او بگوید. به همین خاطر می‌گویم برای دیدن نمایش ما بیایید، اما پیش از آن کمی صراحت داشته باشید!

گروه فرهنگ و هنر | نمایش «صلح عباس آباد» این روزها در تماشاخانه ملک روی صحنه است. نمایش کم‌دی که توانسته مخاطب زیادی را به خود جلب کند. یکی از عوامل استقبال از این نمایش کم‌دی، فضای روایی داستان است که کارگردان آن را کم‌دی تمیز می‌داند. وحید منطری و مجید فرهنگ، نویسندگان متن، داستان یک خانواده را در قالب کم‌دی تعریف کرده‌اند بدون استفاده از فاکتورهایی که این روزها در تمام داستان‌های کم‌دی که بر پرده سینما نقش می‌بندد یا روی صحنه تئاتر اجرا می‌شود، وجود دارد. ایده «صلح عباس آباد» از قصه انحصار ورثه به ذهن سینا عتیق رسید و نویسندگان آن را نوشتند تا سینا در کنار پارسا امیری زاد آن را کارگردانی کنند. قصه «صلح عباس آباد»، قصه چالش‌های یک خانواده طبقه متوسط جامعه است. قصه‌ای با کاراکترهایی که مایه‌آزای بیرونی برای مخاطب دارند. به همین دلیل است که تماشاگران جز خندیدن در لحظات مختلف نمایش، با شخصیت‌ها همذات‌پنداری می‌کنند. این نمایش کارکرد دیگری هم برای بعضی مخاطبان داشته است. پویا نوروزی می‌گوید: «چند نفر از تماشاگران بارها به دیدن نمایش آمدند و هر بار فرد جدیدی را با خود آوردند، برایم جالب بود که چرا این

● **این سوال را از نفس بازغی می‌پرسم، حضورت در این نمایش با توجه به اینکه پیش‌تر کار تصویر را در سینما و نمایش خانگی تجربه کرده‌ای، چقدر به فضای رسانه‌ای و جذب مخاطب نمایش کمک کرد؟**

پویا نوروزی: این تجربه به من دارند، این یک کار جمعی بود که همه باهم انجام دادیم تا مردم بیایند و تئاتر ما را ببینند. بچه‌ها چه در طول تمرین و چه در زمان اجرا بسیار به من کمک کردند، ایده‌های زیادی برایم داشتند تا نمایش هر شب بهتر از شب قبلیش اجرا شود.

● **چطور به این کار دعوت شدی؟**

بازغی: وحید منطری، نویسنده، متن را برایم فرستاد. البته از قبل با میثم هم آشنا بودم. متن را خواندم و دوست داشتم.

● **قبل از این نمایش، تجربه تئاتر داشتی؟**

بازغی: بله، یک اجرا در تماشاخانه ایران‌شهر. آن‌جا، زمان بسیار کمی برای تمرین داشتم، تقریبا دو هفته و همین، این تجربه را برایم بسیار عجیب کرد. نقش من در آن نمایش هم عجیب بود. یک سمت صورت نداشتم و یکی از دست‌هایم بسته بود و این کار را برایم چالشی می‌کرد.

● **بازی در مدیوم تصویر سخت‌تر است یا تئاتر؟**

بازغی: قطعا تئاتر. روی صحنه باید زنده بازی کرد و هیچ راه برگشتی وجود ندارد. اگر اتفاقی بیفتد همان‌جا بدون اینکه مخاطب متوجه شود باید آن را درست کرد. در تصویر امکان اشتباه وجود دارد، میان کار استراحت می‌کنید، امکان تمرکز دوباره وجود دارد تا اتفاقی که پیش‌تر گفتیم شکل می‌گیرد و مخاطب نمونه‌های واقعی زندگی خودش را روی صحنه ما می‌بیند. این‌طور می‌شود که ما توانستیم، مخاطب را یک ساعت و ۱۰ دقیقه از فضای روزمره زندگی‌اش جدا کنیم و در موقعیتی قرارش دهیم که گاهی بخندد و از آن دغدغه‌های همیشگی فاصله بگیرد.

● **پیش‌آمده را دوباره بازی کردی؟**

پویا نوروزی: به نظر من حتی تئاتر کم‌دی سخت‌تر از خود تئاتر است. مخصوصا که نمونه تئاترهای کم‌دی ناموفق از موفق بیشتر است.

● **میثم نوروزی: تئاتر کم‌دی از جنبه‌های دیگر هم سخت است.**

در درآمد و ترازوی هم مخاطب به دیدن قصه یک خانواده واکنش نشان می‌دهد اما این واکنش تأثیری مستقیم بر صحنه نمی‌گذارد، اما در کم‌دی واکنش عموما خنده است و این روی اجرا تأثیر مستقیم می‌گذارد. در هر شب از اجرا دقایقی از زمان ما به واسطه خنده‌های مخاطب از بین می‌رود، چرا که ما بازگرها در مواجهه با این واکنش باید انرژی و تمرکز بیشتری بگذاریم و مخاطب را دوباره به قصه برگردانیم. این یک چالش سخت برای بازیگر و حتی کارگردان است.

امیری زاد: امروز اساسا کار مستقل انجام دادن در سینما و تئاتر، قطعا ریسک است. در این فضای اقتصادی، نمایشی مستقل و حتی بدون اسپانسر روی صحنه بردن از نظر اقتصادی ریسک بالایی دارد. ضمن اینکه ما در این نمایش روی مخاطب هم ریسک کردیم. البته بگویم، تا پیش از آغاز اجرا و در تمرینات، اصلا به مسئله اقتصادی فکر نکردیم. اینکه چطور سالن را پر کنیم و یا از پس شرایط اقتصادی بر بیاییم، هدف‌مان این بود که کار خوب ارائه دهیم.

● **به نظر تان وقتی مردم در سالن مشغول تماشای تئاتر شما هستند، می‌توانند واقعیت زندگی و سختی‌هایش را برای لحظه‌ای فراموش کنند؟**

میثم نوروزی: یکی از تقریحات افسرد جامعه قطعا کار فرهنگی است، سینما برو، تئاتر ببیند، کاری جز روزمرگی انجام دهند که سرگرمی باشد و البته کار فرهنگی هم به حساب بیاید. هر روز نمایش‌های زیادی در تهران اجرا می‌شود. به همین خاطر تلاش کردیم این کار کم‌دی ملموسی باشد بدون استفاده از فضای چرکی که همراه کم‌دی است. در کنار این مراقبتی که از کم‌دی کردیم، اصرار داشتیم که در شرایط سخت امروز، مخاطب را همراه خودمان کنیم. به همین خاطر است که آن همذات‌پنداری که پیش‌تر گفتیم شکل می‌گیرد و مخاطب نمونه‌های واقعی زندگی خودش را روی صحنه ما می‌بیند. این‌طور می‌شود که ما توانستیم، مخاطب را یک ساعت و ۱۰ دقیقه از فضای روزمره زندگی‌اش جدا کنیم و در موقعیتی قرارش دهیم که گاهی بخندد و از آن دغدغه‌های همیشگی فاصله بگیرد.

● **شما جزو پر فروش ترین تئاتر های روی صحنه هستید، در حالی که کم‌دی تان برخلاف بسیاری از تولیدات کم‌دی، فارغ از شوخی‌های جنسی و دم‌دستی است.**

امیری زاد: حساسیت ما در خصوص این مسئله بسیار زیاد بود. با وجود اینکه بستر استفاده از این فضا در متن وجود داشت، اما ما می‌خواستیم کم‌دی خوب داشته باشیم. ضمن اینکه در چند سال اخیر سلیقه مخاطبان تغییر کرده است و از سوی دیگر بسیاری از افراد جامعه هنوز با مفهوم تئاتر آشنا نیستند. به همین خاطر تلاش کردیم که مخاطب با کم‌دی متفاوتی از آنچه می‌شناسد روی صحنه تئاتر مواجه شود. دغدغه ما در نمایش این بود که قصه روایت کنیم، نه کم‌دی‌ای که فقط مخاطب را بخنداند. ما هر شب بعد از اجرا دور هم جمع می‌شویم و واکنش مخاطب را مرور می‌کنیم. گاهی سوال بر ایماں پیش می‌آید در فلان صحنه که مخاطب نباید می‌خندید؟! معنی این سوال این است که ما قرار نیست چیزی را فدای کم‌دی کنیم.

● **وقتی حرف از کم‌دی می‌شود، یک فضای مشخصی در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد؛ در حالی که شما سراغ این فضا نرفتید و این تصمیم یک ریسک بزرگ بوده است.**

امیری زاد: نمی‌توان فضا را تنها به یک مدل محدود کرد. قصه‌آژان‌ش را تعریف می‌کند. در سینما هم همین است، یکی از پر فروش‌های امروز سینما فیلم «پیرپرس» با قصه‌ای تلخ است اما مردم از آن استقبال کرده‌اند. از سوی دیگر قصه‌های کم‌دی هم زمان موفق پیش می‌روند، مثل ما که با یک قصه کم‌دی در تئاتر پر فروش پیش می‌رویم. در حال حاضر بیشتر از همه مردم ما نیاز دارند خوراک فرهنگی خوب داشته باشند. فارغ از تلخی یا شیرینی قصه‌ای که روایت می‌شود.

● **تصمیمی که کاراکترت در نمایش می‌گیرد بزرگ است، اگر خودت هم بودی چنین تصمیمی می‌گرفتی؟**

بازغی: بله. در دنیای واقعی هم دوست ندارم همه چیز به نفع من باشد و آدم‌های دیگر هم برایم اهمیت دارند. اما تصمیمی که مهسا در نمایش می‌گیرد بسیار جورسازانه است و حتی تماشاگر هم توقع‌اش را ندارد، این غافلگیری برای من هم بسیار جذاب بود.

● **خانواده این نمایش از طبقه متوسط است، طبقه‌ای که در واقعیت جامعه کم‌کم ناپدید می‌شود. پویا نوروزی: پر داختن به قشر متوسط کار سخت‌تری است چرا که مخاطبان اصلی تئاتر همین قشر هستند، اما متأسفانه با توجه به اقتضات اقتصادی و گاهی فرهنگی این قشر امکان حضور در سالن تئاتر را ندارد. هزینه یک شب تئاتر دیدن، چیزی حدود دو میلیون تومان می‌شود؛ به همین خاطر است که دیگر تئاتر برای کسی اولویت زندگی نیست. با این وجود هنوز مخاطب اصلی تئاتر همین قشر متوسط است، به همین خاطر این قشر در نمایش‌ها جامعه هدف محسوب می‌شوند.**

● **طنز داستان شما جذاب است، اما به نظر تان در شرایط اجتماعی کنونی، زبان طنز تأثیر گذار تر است یا فضای جدی؟**

امیری زاد: نمی‌توان فضا را تنها به یک مدل محدود کرد. قصه‌آژان‌ش را تعریف می‌کند. در سینما هم همین است، یکی از پر فروش‌های امروز سینما فیلم «پیرپرس» با قصه‌ای تلخ است اما مردم از آن استقبال کرده‌اند. از سوی دیگر قصه‌های کم‌دی هم زمان موفق پیش می‌روند، مثل ما که با یک قصه کم‌دی در تئاتر پر فروش پیش می‌رویم. در حال حاضر بیشتر از همه مردم ما نیاز دارند خوراک فرهنگی خوب داشته باشند. فارغ از تلخی یا شیرینی قصه‌ای که روایت می‌شود.

● **یک روزی از ناصر تقوایی پرسیدم شما یکی از موفق ترین تولیدات تلویزیونی «دایی جان ناپلئون» را ساخته‌اید که مردم بسیار با آن ارتباط برقرار کردند و دوستش داشتند، جواب استاد تقوایی این بود، آدم‌های این سریال، همان آدم‌هایی بودند که آن را می‌دیدند. دوست دارم نفس بازغی از تجربه‌اش بگوید. چه ویژگی‌ای در این نمایشنامه و این کاراکتر وجود داشت؟ این شخصیت به خودت نزدیک بود؟**

کاراکتر این نمایش و خانواده‌اش از من دور است و هیچ‌وقت چنین اتفاقاتی که برای او افتاده را تجربه نکردم. به نظر هم‌نسلی‌های من نیز این تجربه را نداشتند، پس برای خودم جالب بود که



عیسی بزرگ زاده در گفت وگو با هفت صبح از هدر رفت ۲۴ میلیارد متر مکعب آب در بخش کشاورزی خبر داد

هدر رفت گسترده آب از مزرعه تالوله

گروه اجتماعی | بحران آب ایران، از هدر رفت ۲۴ میلیارد متر مکعب آب در کشاورزی تا تنش آبی در کلان شهرها، دغدغه‌ای ملی است که جامعه ایرانی را در موقعیت حساس و سرنوشت سازی قرار داده است. عیسی بزرگ زاده، سخنگوی صنعت آب کشور در گفت وگویی اختصاصی با روزنامه هفت صبح از زوایای پنهان این بحران می گوید. او ریشه های توسعه نامتوازن، هدررفت ۳۰ درصد محصولات کشاورزی و راندمان پایین ۴۰ درصدی آبیاری سخن می گوید و هشدار می دهد که واژه «ورشکستگی آبی» عبارتی ناامیدکننده است، اما تنش آبی واقعیتی انکارناپذیر است. وی از مذاکرات هیرمند تا پروژه های انتقال آب از دریا و راهبرد سه گانه وزارت نیرو برای نجات شرق کشور و پایداری آب شرب سخن می گوید. این گفت وگو با آمارهای تکان دهنده در کنار راه حل های امیدبخش خواننده را به تامل درباره آب دعوت می کند. با ما همراه شوید تا از زبان یک مسئول، حقیقت بحران آب را کشف کنید.

روز صفر آبی یا به عبارتی ورشکستگی آب برای تهران چه زمانی رخ خواهد داد؟

حدود ۵۰ درصد از منابع آبی تهران از آب های زیرزمینی تأمین می شود. پنج سد تأمین کننده آب تهران ممکن است در شرایطی به حجم مرده خود برسند، اما همواره جریان پایهای دارند که امکان انتقال آن وجود دارد. بنابراین، تعبیری مانند «روز صفر آبی» یا سناریوهای آخرالزمانی که به معنای نبود حتی یک قطره آب یا یک برگ سبز از تهران پارس تا چیتگر باشد، برای تهران هرگز محقق نخواهد شد. این گونه تعبیر به دلیل وجود منابع آب زیرزمینی و جریان پایه سدها، بسیار رادیکال و غیرواقعی هستند. باین حال، نگرانی من این است که این سخنان ممکن است شهروندان تهرانی را بیش از حد آسوده خاطر کند. ما روز صفر آبی یا آخرالزمان آبی نداریم، اما در حال حاضر با بحران آب و تنش آبی مواجه هستیم. البته سخنان من به گونه ای تفسیر نشود که ضرورت مدیریت مصرف آب را کم رنگ کند. درباره واژه «ورشکستگی آبی» نیز پیشنهاد می کنم از به کاربردن آن پرهیز کنیم. ایمن به معنای انکار مشکلات آبی، وضعیت ممنوعه و بحرانی ۷۰ درصد دشت های کشور، یا تهدید خشک شدن پیکره های آبی، رودخانه ها و تالاب هایمان نیست. اما واژه ورشکستگی آبی بار معنایی کاملا ناامیدکننده ای دارد و این گونه القا می کند که از نقطه بی بازگشت برای نجات زیست بوم آبی ایران عبور کرده ایم و باید تلاش را رها کنیم. این واژه سازنده نیست و می تواند متخصصان و دلسوزان را دلسرد کند. به جای آن، باید از اصطلاحاتی مانند «بحران آب»، «تنش آبی» یا «اترازی آبی» استفاده کنیم تا امید و انگیزه را در میان مردم و کارشناسان حفظ کنیم و برای بهبود وضعیت زیست بوم ایران تلاش هایمان را ادامه دهیم.

بحران آب در تهران، شهرها و روستاها تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؟ این بحران اکنون برای همه ما چالش برانگیز و در برخی موارد واقعا آزاردهنده شده است. این وضعیت تا کی قرار است ادامه پیدا کند؟

مسئله آب و خشکسالی از دیرباز در تاریخ ایران وجود داشته است. ایرانیان در طول تاریخ از برجسته ترین مهندسان آب بوده اند. در حوزه آب زیرزمینی، ایرانیان با مخترع قنات بوده اند یا گسترش دهندگان این فناوری. در زمینه آب های سطحی نیز دستاوردهای شگرفی داشته ایم؛ ۵۰ درصد سدهای بلند باستانی جهان در ایران قرار دارند. به عنوان مثال، بند بهمن از دوره هخامنشی (بیش از ۲۰۰۰ سال پیش)، بند امیر و سد کوال از پروژه های عظیم آبی در مقیاس زمان خود در دوره های هخامنشی، ساسانی و اسلامی هستند. همچنین، سامانه های هیدرولیکی چغانزبیل، تخت جمشید و عالی قاپو نمونه هایی از

نیوغ ایرانیان در مدیریت آب در دوره های مختلف تاریخی اند. این دستاوردها به این دلیل شکل گرفتند که ایرانیان برای زندگی در پهنه های که ۷۵ درصد آن خشک، نیمه خشک و فراخشک است، به فناوری های پیشرفته نیاز داشتند و به همین سبب به مهندسان برجسته آب تبدیل شدند. اما در ۷۰ تا ۸۰ سال اخیر، مشکلی در الگوی توسعه رخ داده است. در کشوری با اقلیم عمدتاً خشک و نیمه خشک، نباید اجازه می دادیم کلان شهرها شکل بگیرند. کلان شهرها باعث تمرکز بیش از حد جمعیت در یک نقطه می شوند و این تمرکز، فشار بیش از اندازه ای بر منابع زیست محیطی، از جمله آب، هوا و جنگل ها وارد می کند. در تهران، آشکارا از مرزهای تاب آوری آبی عبور کرده ایم. باید توجه داشت که تهران آبی صرفاً محدود به مناطق ۲۲گانه تهران نیست. تهران آبی از قزوین آغاز می شود، کل استان البرز و استان تهران را دربرمی گیرد، زیرا منابع تأمین آب این مناطق مشترک است. سد طالقان به سانکمان قزوین، البرز و یا فردی که در میدان انقلاب، پونک یا تجریش تهران زندگی می کند، آب می رساند. از بوهمن و رودهن تا قزوین، همه این مناطق سرنوشت آبی مشترکی دارند. این جمعیت بیش از ۲۰ میلیون نفری روی چه رودخانه ای مستقر شده است؟ رودخانه هایی مانند کن و دارآباد در واقع جوی هایی هستند که ظرفیت آبی آن ها چنین جمعیتی را پشتیبانی نمی کند. از پیش از انقلاب، با انتقال آب بین حوزه های از کرج، لار، لتیان، طالقان و سایر منابع آبی در شاع چند ده کیلومتری، تلاش شد آب به تهران هدایت شود. این امر به افزایش جمعیت منجر شد، اما این توسعه نامتوازن باید ساماندهی شود. اگر الگوی توسعه اصلاح نشود، تهران آبی با مشکلات جدی مواجه خواهد شد. این مسئله یک واقعیت فیزیکی است. منابع آبی ظرفیت محدودی دارند، اما مصارف ما از این ظرفیت فراتر رفته است.

آمار شفاف و دقیقی از هدررفت آب در صنعت کشور وجود دارد؟

در صنعت آب، مفهومی به نام «آب بدون درآمد» وجود دارد که بر اساس آمار ما، در کل کشور حدود ۳۰ درصد است. این عدد شامل سه بخش است و گاهی به اشتباه با هدررفت آب یکسان تلقی می شود. بخش اول، معافیت های قانونی است؛ برای مثال، قانون گذار تعیین کرده که از برخی مراکز فرهنگی هزینه ای دریافت نشود یا به روش خاصی عمل شود. بخش دوم، انشعابات غیرمجاز است که برخی شهروندان ممکن است به صورت غیرقانونی از قبل از کنتور آب برداشت کنند. حدود ۱۵ درصد از این ۳۰ درصد، یعنی نیمی از آن، به این دو مورد مربوط می شود. ۱۵ درصد دیگر به هدررفت فیزیکی آب اختصاص دارد. در تهران، این عدد حدود ۱۰.۲ درصد است، اما محاسبات در تهران متفاوت است. در مناطقی با بافت قدیمی که عمر لوله ها به ۶۰ تا ۷۰ سال می رسد، نشت آب بیشتر است. در مناطق جدیدتر با شبکه لوله کشی مدرن تر، میزان نشت کمتر است. در برخی مناطق کشور مانند بوشهر یا کهگیلویه و بویراحمد، نشت حتی از این مقدار هم بیشتر است، اما میانگین کشوری ۱۵ درصد و در تهران کمی بیش از ۱۰ درصد است. میانگین جهانی هدررفت آب حدود ۸ درصد است و در هیچ جای دنیا نمی توان این عدد را به صفر رساند. شاید پرسیده شود چرا این مقدار را کاهش نمی دهیم؟ این انتقاد درست است، اما باید توجه داشت که طول شبکه لوله های انتقال و توزیع آب در تهران حدود ۲۳ هزار کیلومتر و در کل کشور حدود ۵۰۰ هزار کیلومتر است. این شبکه طی ۷۰ تا ۸۰ سال با سرمایه های ملی ایجاد شده و نمی توان به سادگی آن را تعویض یا موزای سازی کرد. با استفاده از فناوری هایی مانند امواج التراسونیک و اندازه گیری های پیشرفته، می توانیم نواحی با تمرکز بالای نشت را شناسایی و اصلاح کنیم. این برنامه در دستور کار ماست و در حال پیشبرد آن هستیم. بیش از ۴۰ درصد این شبکه نیاز به بازسازی دارند. باین حال، باید پذیرفت که در چند دهه گذشته، به دلایل مختلفی از جمله کمبود منابع مالی یا کم توجهی، به اندازه کافی به تعمیر و بازسازی زیرساخت ها توجه نکرده ایم.

برخی معتقدند بحران آب ناشی از سوءمدیریت است. با توجه به اینکه شما خود مدیر دولتی هستید، آیا سوءمدیریتی در این زمینه وجود دارد؟

در ۷۰ تا ۸۰ سال گذشته، با حضور مدیران مختلف و دیدگاه های گوناگون، قطعاً سوءمدیریت هایی وجود داشته است. اما این سوءمدیریت ها تنها به شرکت های آب و فاضلاب محدود نمی شود. اشکال اصلی در الگوی توسعه کشور است. تشبیه این موضوع را می توان با تولید خودرو مقایسه کرد. یک خودرو به تنهایی مشکل زیست محیطی ایجاد نمی کند، اما انبوه خودروها باعث آلودگی هوا می شود. اشکال اصلی این بوده که اجازه دادیم کلان شهرهایی مانند تهران، کرج، تبریز، اصفهان، مشهد، اهواز، کرمان و شیراز در این ابعاد شکل بگیرند. در کشوری با اقلیم خشک و نیمه خشک، کلان شهرهایی با جمعیت دو تا سه میلیون نفر می توانستند پایدار باشند، اما نه در این مقیاس. باید در این ۷۰ تا ۸۰ سال به نگاه فکورهانه تر و عادلانه تر عمل می کردیم و توسعه را به صورت متوازن در سراسر کشور پیش می بردیم. اگر بخواهیم مسئله را فقط به چند مدیر در یک بخش خاص تقلیل دهیم، صورت مسئله را تحریف کرده ایم.

گفته می شود ایران در حال تبدیل شدن به یکی از کانون های بحران آب در جهان است. وزارت نیرو برای ۱۰ سال آینده چه برنامه ها و استراتژی هایی برای حل این موضوع دارد؟

در پنج تا شش ماه اخیر، به ویژه با کمک رسانه ها، گفتمان قوای دربارہ آب و زیست بوم شکل گرفته است. من هر هفته به ده ها سوال پاسخ می دهم و این حساسیت ملی که ایجاد شده، به ما کمک می کند تا به ریل گذاری درست در مدیریت آب برسیم و از الگوی توسعه ناپایدار به سوی توسعه پایدار حرکت کنیم. اگر این مطالبه گری رسانه ها و مردم ادامه یابد و ما به عنوان مدیران دولتی و خدمتگزاران مردم، درک کنیم که مردم پایداري سرزمین و زیست بوم را می خواهند، می توانیم رفتارهای درستی اتخاذ کنیم. نقش قوه مقننه در این میان بسیار کلیدی است. برای مثال، در بودجه سال ۱۴۰۴، قانونی تصویب شده که به کشاورزان اجازه می دهد با برق ارزان قیمت، آب را از عمق ۴۰۰ متری زمین استحصال کنند و اگر محصول راهبردی مانند گندم تولید کنند، هزینه ناچیزی (مثلاً ۸۰۰ تومان) و برای محصولات غیرراهبردی ۱۶۰۰ تومان بپردازند. این گونه قوانین، زیست بوم را به یغما می برند. در دنیا، یارانه به محصول نهایی داده می شود، نه به نهادهایی مانند آب، برق، کود و سم. وقتی نهاده ها با قیمت غیرواقعی عرضه می شوند، به مصرفی ایجاد می شود. اما اگر نهاده ها با قیمت واقعی ارائه شوند و یارانه به محصول نهایی در اختیار قشر آسیب پذیر قرار گیرد، مصرف بهینه تر خواهد بود. قوانینی مانند قانون توزیع عادلانه آب، برقی کردن چاه ها یا تعیین تکلیف چاه های غیر مجاز که ۶۰ تا ۷۰ هزار چاه غیرمجاز را مجاز کرده اند، نقش مهمی در هدایت الگوی توسعه به سمت پایداری یا ناپایداری دارند. در تدوین بودجه ۱۴۰۵، باید از درج عباراتی که رفتارهای عوام فریبانه را ترویج می کنند، اجتناب شود. تهدید اصلی برای کشاورزی و امنیت غذایی، بدمصرفی آب است. وقتی عمق چاه ها به ۴۰۰ یا ۴۵۰ متر می رسد، شغل کشاورزی در معرض خطر قرار می گیرد. باید با پذیرش سختی های رفتار درست، به داد کشاورزان و زیست بوم برسیم.

در بخش کشاورزی چند درصد از آب های در حال گردش هدر می رود؟

از حدود ۱ میلیارد متر مکعب منابع آب تجدیدپذیر سطحی و زیرزمینی کشور، حدود ۸۰۰ میلیارد متر مکعب در بخش کشاورزی مصرف می شود. راندمان آبیاری در این بخش حدود ۴۰ درصد است که می تواند با روش هایی مانند آبیاری قطره ای یا سیستم های پیشرفته تر بهبود یابد. اما مسئله فقط راندمان نیست. شاید باور کردنی نباشد، اما ضریب خود کفایی ما در تولید تریبار ۱۵۰ درصد و در تولید میوه ۲۵ درصد است؛ یعنی به ترتیب ۵۰ درصد و ۲۵ درصد بیش از نیاز داخلی تولید می کنیم. این تولید مازاد چه ارتباطی با امنیت غذایی دارد؟ آیا تریبار و میوه مانند گندم و برنج هستند که برای امنیت غذایی باید بیش از نیاز تولید شوند؟ مشکل اینجاست که ۳۰ درصد محصولات کشاورزی از مزرعه تا سفره هدر می رود. اگر ۸۰

میلیارد متر مکعب آب مصرفی کشاورزی را در نظر بگیریم، ۴۰ درصد آن یعنی حدود ۲۴ میلیارد متر مکعب هدر می رود. سند دانش بنیان امنیت غذایی که دو سال پیش توسط رئیس جمهور فقید، جناب آقای رئیسی، ابلاغ شد، هنوز به طور کامل اجرایی نشده است. از همکاران در وزارت جهاد کشاورزی درخواست دارم که با همکاری بیشتر به کمک مدیریت آب کشور بیایند. هر چند آن ها همیشه با دلسوزی و دانش همراه ما بوده اند، اما این تلاش ها کافی نیست و راه درازی در پیش داریم. درباره آمار هدررفت آب در کشاورزی، برخی ارقام از ۶۰ تا ۷۰ درصد به دلیل روش های سنتی مانند آبیاری غرقابی حکایت دارند. اگر راندمان ۴۰ درصد باشد، به این معناست که ۶۰ درصد آب هدر می رود. البته در محیط های کنترل شده ممکن است به راندمان ۱۰۰ درصد نزدیک شویم، اما در مزرعه معمولاً راندمان بین ۶۰ تا ۷۰ درصد است.

پروژه های انتقال آب از کارون، خزر یا خلیج فارس آیا راه حل های پایداری برای حل مشکل آب ایران هستند یا صرفاً پرهزینه و بدون توجیه اقتصادی اند؟

تصمیم گیری درباره پروژه های انتقال آب پیچیده است. پروژه های انتقال آب نیز به نوعی منفورترین راه حل ها هستند و باید تحت شرایط بسیار سخت گیرانه ای تعریف شوند. این پروژه ها باید با اصول بین المللی، مانند اصول پنج گانه یونسکو یا اصول پاریس، هم خوانی داشته باشند که ویژگی های حوزه مبدأ و مقصد را مشخص می کنند. پروژه های انتقال آب از گذشته های دور در ایران اجرا شده اند، مانند پروژه کوهرنگ یک، پروژه کرج یا لار برای تهران و دیگر رودخانه های اطراف. اما طبق قانون و مصوبه شورای عالی آب در سال های اخیر، انتقال آب بین حوزه ای فقط برای تأمین آب شرب مجاز است. این موضوع در برنامه هفتم توسعه نیز به وضوح ذکر شده است. در مورد انتقال آب از دریا، موضوع متفاوت است. قانون گذار در برنامه هفتم و مقررات پیشین توصیه کرده که صنایع پرآب طلب و پرسود، مانند صنایع فولاد یا مس در فلات مرکزی، باید آب مورد نیاز خود را از دریا تأمین کنند. برخی از این صنایع به دلیل جبر جغرافیایی و زمین شناسی، مانند معادن مس در کرمان، در این مناطق ایجاد شده اند و انتقال مواد معدنی به کنار دریا پرهزینه تر از انتقال آب است. اما برخی دیگر از صنایع به دلیل بی عدالتی در توزیع فضایی فرصت ها در این مناطق مستقر شده اند و به زیست بوم آسیب می زنند. صنایع کوچک و متوسط باید از سباسب استفاده و صنایع دارویی، خوراکی و آشامیدنی از منابع آب متعارف (سطحی یا زیرزمینی) تأمین شوند. این چارچوب قانونی نشان دهنده تلاش برای ایجاد توازن اقتصادی و زیست محیطی است.

شما از توجیه اقتصادی برای صنایع سخن گفتید و اینکه صنایع خود تأمینی می کنند. اما درباره آب شرب چطور؟ آیا این پروژه ها برای آب شرب نیز توجیه اقتصادی دارند؟

در مورد صنایع، وقتی یک صنعت بزرگ در سبب پروژه های خود می بیند که هزینه تأمین آب تنها دو تا سه درصد از کل هزینه هایش را تشکیل می دهد، قطعاً برایش توجیه اقتصادی دارد. البته ممکن است پس از این صاحب، مدیرعامل یک صنعت ادعا کند که این کار توجیه اقتصادی ندارد، زیرا ترجیح می دهد آب را به جای قیمت واقعی (مثلاً دو تا سه دلار) با هزینه ای بسیار ناچیز (۱۰ تا ۲۰ هزار تومان) دریافت کند. اما این خواسته منطقی نیست. با نگاهی به جداول بورس و سودهای کلانی که برخی صنایع هر سه ماه گزارش می دهند، مشخص است که این صنایع توان پرداخت هزینه آب را دارند و در اقتصاد ملی، باید خودشان هزینه تأمین آب را بپردازند. اما در مورد آب شرب، موضوع متفاوت است. قانون گذار برای برخی مناطق، مانند سیستان و بلوچستان، با انتقال آب از دریای عمان، مشوق هایی در نظر گرفته است. در نوار ساحلی، استفاده از آب دریا برای تأمین آب شرب از گذشته ترسوم بوده است؛ مثلاً در جزیره قشم، بوشهر و مناطق دیگر از آب شیرین کن ها استفاده می شود. این روش تا فاصله حدود ۱۰۰ کیلومتری از ساحل، مشابه کشورهای حاشیه خلیج فارس، کاملاً ترسوم و منطقی است. باین حال، در برخی مناطق، انتقال آب چالش هایی دارد. اگر خط لوله از کنار کانون های جمعیتی عبور کند که دسترسی به آب ندارند، از نظر

این جا ببینید



پایداری اجتماعی نمی توان به آن ها آب نداد. این کار می تواند به تعرض به خطوط لوله منجر شود. بنابراین، در این مناطق، تأمین آب شرب در اولویت قرار دارد. درباره هزینه ها، برخی تخمین ها از ۲ تا ۳ میلیارد دلار برای این پروژه ها سخن می گویند، اما واقعیت این است که هزینه ها بیشتر و حدود ۱۷ الی ۸ میلیارد دلار برای پنج خط انتقال است. این هزینه ها از منابع دولتی تأمین نمی شود، بلکه از طریق فروش آب به صنایع به قیمت واقعی و با مشارکت خود صنایع تأمین می گردد.

به مسئله آب ایران و چالش هیرمند بپردازیم. آیا مذاکرات ایران و افغانستان بر سر حق آبه هیرمند به نتیجه رسیده و دستاوردی داشته است؟ چرا همچنان بخش هایی از شرق کشور با بحران آب مواجه اند و این موضوع حل نشده است؟

مذاکرات و تماس ها بین ایران و کشور همسایه به صورت پیوسته ادامه دارد. نمایندگان وزارت نیرو، وزارت امور خارجه و سایر دستگاه های مرتبط در این گفت وگوها حضور دارند. در مورد هیرمند جلسات به طور مستمر برگزار می شود. درباره هریرود، اگرچه معاهده ای وجود ندارد، اما مذاکرات و رایزنی ها از طرق دیگر ادامه دارد. متأسفانه، برخی اقدامات اخیر در بالادست حوزه های آبریز، بدون توجه به عرف و بهره برداری تاریخی این رودخانه انجام شده است. وزارت نیرو و وزارت امور خارجه اعتراضات رسمی متعددی را در کانال های رسمی مطرح کرده اند. در مورد هیرمند، ما خواستار اصلاح فن دی کمال خان هستیم تا مسیر آب به جریان تاریخی خود بازگردد. درباره هریرود نیز معتقدیم مخازنی که در بالادست ساخته شده اند، بدون توجه به عرف تاریخی و بهره برداری منطق های بوده اند. باین حال، برای تأمین آب کردیدر شرق کشور، ما برنامه ای سه گانه بدوین کرده ایم و این مناطق را از وضعیت آسیب پذیری خارج کرده ایم. در کوتاه مدت، بیش از ۱۶۰ تا ۱۷۰ چاه در منطقه سیستان و بلوچستان حفر کرده ایم و شبکه های گسترده لوله کشی و جمع آوری آب ایجاد شده است. همچنین، آب شیرین کن هایی با ظرفیت ۱۰۰ هزار متر مکعب در دو سال گذشته راه اندازی شده و از منابع آبی محلی مانند بندها استفاده کرده ایم. در میان مدت، از آبخوان شرقی برای تأمین آب زاهدان و مناطق اطراف استفاده می کنیم. در بلندمدت، انتقال آب از دریا طبق قانون برای سیستان و بلوچستان در حال اجراست. مستقل از رفتار کشور همسایه، ما آب شرب، مشاغل صنعتی و خدماتی را تأمین خواهیم کرد. حق آبه ای که حق مسلم ماست و هرگز از آن کوتاه نخواهیم آمد، برای کشاورزی استفاده خواهد شد. اکنون در سیستان و زاهدان، تأسیسات نمک زدایی، بیش از ۱۰۰ چاه و شبکه های لوله کشی طولانی ایجاد شده و آسیب پذیری گذشته کاهش یافته است.

چرا اعتماد عمومی مردم به مسئولان حوزه آب روزبه روز کمتر می شود؟

من فکر نمی کنم این گونه باشد. آیا این ادعا بر اساس نظر سنجی یا ارزیابی مشخصی مطرح شده است؟ برعکس، مشاهده می کنیم که حساسیت عمومی نسبت به مسئله آب افزایش یافته است. اگر برخی تصور می کنند آب صرفاً به وزارت نیرو مربوط است، باید توضیح داد که این دیدگاه درست نیست. تأمین آب بر عهده وزارت نیروست، اما مصرف آب در بخش های مختلف متفاوت است. بخش شرب با وزارت نیرو، بخش صنعت به گونه ای دیگر، بخش کشاورزی با وزارت جهاد کشاورزی، حفظ تالاب ها و پیکره های زیست محیطی با سازمان محیط زیست و قانون گذاری با مجلس مرتبط است. حتی آب فضای سبز در اختیار شهرداری هاست. اینکه مسئله آب را تنها به وزارت نیرو محدود کنیم، علمی و منصفانه نیست. وزارت نیرو تلاش های گسترده ای انجام می دهد، اما انتظار اینکه این وزارتخانه به تنهایی با بازوهای خود مشکل آب را حل کند، منطقی نیست. در همه جای دنیا، به ویژه در کشوری مانند ایران که آب مسئله اصلی آن است، همه نهاده ها، از دولت و سه قوه گرفته تا بازار و جامعه، باید با هم همکاری کنند. سوال شما اگر به همه ذی نفعان حوزه آب، از شهروندان و رسانه ها تا مسئولان در قوای مختلف گسترش یابد، سوال دقیق تر خواهد بود. تا زمانی که این نگاه جامع شکل نگیرد، نمی توان انتظار داشت مسئله آب به تنهایی توسط یک نهاد حل شود.

ورشکستگی آبی واژه ای ناامیدکننده است، اما تنش آبی واقعیتی انکارناپذیر است. مدیریت مصرف و اصلاح الگوی توسعه کلید نجات زیست بوم ایران است

طول شبکه لوله های انتقال و توزیع آب در تهران حدود ۲۳ هزار کیلومتر و در کل کشور حدود ۵۰۰ هزار کیلومتر است. این شبکه طی ۷۰ تا ۸۰ سال با سرمایه های ملی ایجاد شده و نمی توان به سادگی آن را تعویض یا موزای سازی کرد

تصمیم گیری درباره پروژه های انتقال آب پیچیده است. به نوعی منفورترین راه حل ها هستند و باید تحت شرایط بسیار سخت گیرانه ای تعریف شوند

از حدود ۱۰۰ میلیارد متر مکعب منابع آب تجدیدپذیر سطحی و زیرزمینی کشور، حدود ۸۰۰ میلیارد متر مکعب در بخش کشاورزی مصرف می شود. بازدهی آبیاری در این بخش حدود ۴۰ درصد است که می تواند با روش هایی مانند آبیاری قطره ای یا سیستم های پیشرفته تر بهبود یابد

بازگشت اسطوره‌های والیبال در قامت جوانان

تیم ملی والیبال جوانان ایران با شایستگی و شکست ۳ بریک تیم جوانان ایتالیا، قهرمان جهان شد.



گروه ورزش | کارشناسان والیبال کشورمان بر این باور هستند که تیم ملی در حال حاضر از شرایط ایدل‌ه‌ای برخوردار است؛ آنها اعتقاد دارند شاگردان بیتازا در لیگ ملت‌های والیبال ۲۰۲۵ نمایش قابل توجهی از خود ارائه دادند و با شرایط فنی و روانی خوبی آماده حضور در مسابقات قهرمانی جهان خواهند شد. خبرهای جدید و خوب والیبال مدل ایتالیایی حالا به موفقیت تیم ملی والیبال جوانان پیوند خورده است؛ چند سالی می‌شود که تیم ملی والیبال ایران در حسرت خداحافظی سعید معروف می‌سوزد و می‌سازد در حالی که عمران کوک‌جیلی، پاسور جوان و بااستعداد والیبال ایران، در رقابت‌های جهانی جوانان ۲۰۲۵ توجه او که پیش‌تر با تیم ملی والیبال به خود جلب کرد. قهرمانی زیر ۲۰ سال آسیا در سال ۲۰۲۴ قهرمان شده و عنوان بهترین پاسور آسیا را به دست آورده بود، با نگاه تیزبین بیتازا به تیم ملی بزرگسالان دعوت شد. عمران کوک‌جیلی شاید

سعید معروف نشود اما سبک بازی‌اش بر گرفته از اسطوره والیبال ایران است و این امیدواری زیادی به وجود می‌آورد. تیم ملی والیبال جوانان ایران، سی‌محمد موسوی جوان هم‌دار طاها بهبودنیا به‌عنوان یک سرع‌تی‌زن در تیم ملی نوجوانان و جوانان ایران فعالیت می‌کند و نقش مهمی در دریافت، دفاع و حمله تیم دارد. دفاع‌های این جوان بلند قامت همچون یک تخته بسکتبال عمل می‌کنند و خیلی‌ها را به پیاد جوانی‌های سی‌محمد موسوی می‌اندازد.

به‌بودنیا با تمرینات منظم و انگیزه بالا، در مسابقات ملی و بین‌المللی ایران حضور یافته و با عملکرد قابل‌توجهش به‌عنوان یکی از بازیکنان کلیدی تیم شناخته می‌شود و دومین مدافع روی تور ایران در رقابت‌های جوانان بوده است. همچنین مرضی طباطبایی به‌عنوان لیبرو در تیم ملی والیبال جوانان ایران حضور دارد و در مسابقات قهرمانی آسیا و جهان نقش مؤثری ایفا کرده است. او در مسابقات قهرمانی نوجوانان جهان ۲۰۲۳ به‌عنوان بهترین لیبرو انتخاب شد.

رخداد

روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۲۱۲۷ | سشنبه | ۱۱ شهریور ۱۴۰۴ |

حاشیه

قصه عشق و نفرت وحید علیه وحید!

در پایان فصل به اتمام خواهد رسید. نشر به جنجالی بیلد در همان مقطع نوشت؛ جلسه نهایی میان یان کریستین درین، مدیرعامل بایرن مونیخ و ایجنت توماس مولر برگزار شد و به دنبال آن، جدایی مولر در تابستان قطعی به نظر می‌رسد. باورایی‌ها بر تصمیم نهایی خود برای عدم ارائه قرارداد جدید به مولر گرفته و چگونه اعلام رسمی این خبر، موضوعی بود که مدیران این باشگاه آلمانی را به فکر فرو برده بود.

در چنان اوضاع و احوالی، ناراضیتی توماس مولر از بایرن مونیخ به اوج رسید؛ اسطوره فوتبال آلمان و بایرن مونیخ از درز اطلاعات مربوط به جدایی‌اش و اطلاع یافتن از آن از طریق رسانه‌ها دلخور شد و حتی در صفحه شخصی‌اش نیز از مدیران بایرن گله کرد اما بی‌فایده بود!

بایرن مونیخ با توماس مولر خداحافظی کرد و این چنین دوران اسطوره فوتبال آلمان در تیم باشگاهی‌اش به پایان رسید و او به تیم ونکورو وایتکپس در لیگ‌برتر فوتبال ام.‌ال.‌اس آمریکا پیوست! قصه وحید امیری هم شباهت زیادی به توماس مولر دارد؛ پس از پایان لیگ بیست و چهارم و کوتاه ماندن دست پرسپولیس از تمامی جام‌ها، زمزمه‌ها

وحید امیری پس از جدایی رسمی از پرسپولیس به فولاد خوزستان رفت تا به دارودسته یحیی گل محمدی

ملحق شود. به گزارش هفت‌صبح ورزشی، قصه عشق و نفرت اسطوره‌های یک باشگاه هنگام فرار سیدین سکانس پایانی، قصه امروز و دیروز نیست.

وحید امیری هم اولین ستاره‌ای نیست که با باشگاه محبوبش به خط پایان می‌رسد و آخرین آن هم نخواهد بود. در این میان برخی وحید هاشمیان را ملامت می‌کنند که چرا با وحید امیری چنین کرد و برخی دیگر اصرار کاپیتان دوم پرسپولیس برای ادامه بازی در این تیم پرطرفدار را به نقد می‌کشند.

اینکه کدامیک در ست می‌گویند و کدام غلط، بحث امروز ما نیست بلکه آنچه این مطلب را به درازا می‌کشاند شباهت سرنوشت وحید امیری به توماس مولر است!

فورودین ماه گذشته و در شرایطی که گمان می‌رفت بایرن مونیخ قصد تمدید قرارداد توماس مولر را دارد، ناگهان ورق برگشت و باشگاه دیگر تمایلی به حفظ این بازیکن ۳۵ ساله نشان نداد.

پیش‌تر، کاهش دقایق بازی او زیر نظر ونسان کمپانی، علامت سؤال‌هایی را درباره وضعیت مولر به وجود آورده بود اما دیگر پیش‌بینی می‌شد دوران ۱۷ساله حضور این بازیکن در مونیخ ملی و بین‌المللی نامش بر سر زبان‌ها افتاده است. او به‌عنوان بازیکنی تکنیکی و پر تلاش در پست دریافت‌کننده قدرتی شناخته می‌شود و در کنار مهارت بالا در سرویس و اسپک، توانسته جایگاه ویژه‌ای نزد پیتازا پیدا کند و آینده والیبال ایران در دستان این اسپوکر بی‌بدیل است. عماد کاکوند، علی ممبینی، آرمین قلیچ‌نایز، شایان محرابی، سیدمتین حسینی، مرتضی نرمانی، محمدمنانی علیخانی و آرین محمودی نژاد دیگر ملی‌پوشان کشورمان در رقابت‌های قهرمانی مردان زیر ۲۱ سال جهان به شمار می‌روند که باید در دیدار با تیم ملی جوانان ایتالیا، قهرمان این مسابقات را مشخص کنند. شاگردان غلامرضا مومنی (سرمربی تیم ملی جوانان؛ با ارائه نمایش توانایی، آرمین قهرمانی در جهان، همه را امیدوار به تکرار نسل طلایی سعید معروف، محمد موسوی، شهرام محمودی و ... کرده‌اند. به شرط آنکه به قول سیدمحمد موسوی: «در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی غرق نشوند»

و دوربین‌های مداربسته اطراف خانه را مورد بازبینی قرار داد. آن‌ها به سرعت دریافتند که دختر جوان هرگز به سوپرمارکت نرفته است. بررسی تصاویر نشان می‌داد که او توسط یک پسر جوان از محل دور شده است. بررسی‌های بیشتر نشان داد این پسر با وعده ازدواج، دختر افغان را قریب داده و او را وادار به ترک خانه کرده است.

سرنخ مهم؛ مقصد در شمال

کارآگاهان در ادامه تحقیقات بسا جمع‌آوری اطلاعات و ردیابی‌های میدانی توانستند مسیر فرار این دو جوان را شناسایی کنند. بررسی‌ها مشخص کرد که دختر و پسر پس از ترک تهران، به مقصد یکی از شهرهای شمال کشور رفته‌اند. این سرنخ مهم، مسیر تحقیقات را تغییر داد و

شکایت مادر نگران

اوایل شهر یورما، زن جوانی با چهره‌ای مضطرب وارد اداره چهارم پلیس آگاهی تهران شد. او در حالی که اشک می‌ریخت، به کارآگاهان گفت: «ما تازه از افغانستان به تهران آمده‌ایم. دخترم مدتی است با پسر جوانی آشنا شده، اما خانواده به شدت مخالف این رابطه بودیم. چند روز قبل، دخترم به بهانه رفتن به سوپرمارکت از خانه خارج شد و دیگر برنگشت. حتی تلفن همراهش هم خاموش شد.» همین اظهارات کافی بود تا پرونده‌ای در دادسرای جنایی تشکیل و تحقیقات برای پیدا کردن دختر آغاز شود.

بررسی‌های اولیه پلیس

تیم تحقیق در نخستین گام به محل زندگی خانواده رفت

پرونده جنایی با نگرانی یک مادر ختم به خیر شد

فرار بی فرجام و بازگشت به خانه

پلیس آگاهی با ردیابی دوربین‌ها و پیگیری سرنخ‌ها

سرانجام دختر گمشده و پسر افغالگر را در شمال کشور شناسایی و دستگیر کرد

اظهار پشیمانی گفت: «مدتی قبل با دختر آشنا شدم. خانواده‌اش مخالف بودند، برای همین تصمیم گرفتم فرار کنم. قصدمان ازدواج بود و فکر نمی‌کردم این ماجرا تا این حد جدی شود.» او تأکید کرد که هیچ نیت دیگری جز ازدواج نداشته، اما تحقیقات نشان داد رفتار او مصداق اغفال دختر و خروج غیرقانونی او از خانه بوده است.

بازگشت دختر به خانه

با دستور مقام قضایی، دختر جوان تحویل خانواده‌اش شد. مادر او که پس از چند روز نگرانی طاقت‌فرسا دوباره دخترش را در آغوش گرفت، اشک شوق می‌ریخت. از سوی دیگر، متهم با صدور قرار قانونی در اختیار پلیس قرار گرفت تا تحقیقات درباره جرایم احتمالی او ادامه یابد.

کارآگاهان با هماهنگی مقام قضایی راهی شمال شدند.

عملیات دستگیری

پس از چند روز پیگیری و اقدامات اطلاعاتی، مأموران موفق شدند مخفیگاه پسر جوان را شناسایی کنند. عملیات دستگیری با هماهنگی مقام قضایی انجام شد و در نهایت متهم در حالی که به شدت آشفته و مضطرب بود، دستگیر شد. دختر جوان نیز در جریان این عملیات پیدا شد و در سلامت کامل به اداره پلیس منتقل شد.

اعترافات متهم

پسر جوان پس از انتقال به اداره چهارم آگاهی، در همان مراحل اولیه بازجویی لب به اعتراف گشود. او با

ردیف	موضوع مناقصه	مبلغ اولیه (ریال)	مبلغ سپرده شرکت در مناقصه (ریال)	مدت اجرای پروژه
۱	احداث مسیر دوجرخه سواری در خیابان فرشید دو واقع در منطقه ۵ شهرداری اهواز	۴۱/۵۴۴/۶۰۲/۳۹۶	۲/۰۷۷/۲۳۰/۱۱۹	۳ ماه
از شرکت های واجد شرایط دعوت به عمل می آید جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۱ لغایت ۱۴۰۴/۰۶/۱۸ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند. در شرایط یکسان اولویت با شرکت های بومی می باشد. آخرین مهلت قبول پیشنهاد مناقصه گران ، از آخرین روز دریافت اسناد به مدت ۱۰ روز کاری در سامانه ستاد است حداکثر مهلت بازگذاری استاد در سامانه ستاد تا روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۳۱ ساعت ۱۹:۰۰ بعد از ظهر می باشد. ضمناً آخرین مهلت تحویل فیزیکی پاکت مناقصه روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۱ به اداره حقوقی و قراردادهای منطقه سه می باشد. لایزم به ذکر است مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه برگ پیشنهاد قیمت می بایست از درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir صورت پذیرد و مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت نام را در سایت مذکور و دریافت گواهی امضا، الکترونیکی (توکن) را جهت شرکت در مناقصه را محقق نمایند. پرداخت هزینه انتشار آگهی و وجوه قانونی سامانه ستاد به عهده برنده مناقصه می باشد. شهرداری در رد یک یا تمام پیشنهادهای مختار می باشد. – مبلغ سپرده شرکت در مناقصه فوق الذکر می بایست به یکی از دو طریق ذیل ارائه شود: الف – فیش واریز مبلغ فوق به حساب شماره ۰۲۰۳۹۹۴۳۹۸۰۰۱ شهرداری اهواز نزد بانک ملی به نام شهرداری اهواز. ب – بصورت ضمانتنامه بانکی به نام شهرداری اهواز و به مدت سه ماه از تاریخ افتتاح پیشنهادها. تیسره – محل اعتبارات این مناقصه از بودجه جاری شهرداری (منابع داخلی) می باشد. ۴– تاریخ برگزاری کمیسیون مناقصه در ساعت ۰۹:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۲ در دفتر شهردار منطقه سه به آدرس فوق الذکر می باشد. حضور پیشنهاد دهندگان در جلسه مجاز می باشد. ۵– نتیجه برابر تصمیم اعضای کمیسیون به برنده اعلام خواهد شد. تا مراحل انعقاد قرارداد انجام شود. ۶– به استناد بند ۵ ماده ۱۱ آیین نامه معاملات شهرداری کلن شهرها میزان تضمین حسن انجام تعهدات ۵ ٪ درصد مبلغ پیشنهادی پیمانکار می باشد که پس از تحویل موقت آزاد خواهد شد. ۷– به برنده مناقصه پیش پرداخت داده نخواهد شد. ۸– برندگان اول و دوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده شرکت در مناقصه آنان به ترتیب ضبط خواهد شد. ۹ – بر اساس ماده ۱۰ قانون اصلاح و تسری آیین نامه معاملات شهرداری تهران به کلانشهرها، شرکت در مناقصه و ارائه پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف شهرداری می باشد. ۱۰ – سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج شده است.				
اداره کل ارتباطات و امور بین الملل شهرداری اهواز				



آگهی مناقصه عمومی (نوبت اول)



شناسه: ۱۹۹۲۸۰۷

شهرداری منطقه سه اهواز در نظر دارد پروژه زیر را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران دارای صلاحیت از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور با رتبه ه ا بنیه واگذار نماید.

ردیف	موضوع مناقصه	مبلغ اولیه (ریال)	مبلغ سپرده شرکت در مناقصه (ریال)	مدت اجرای پروژه
۱	احداث مسیر دوجرخه سواری در خیابان فرشید دو واقع در منطقه ۵ شهرداری اهواز	۴۱/۵۴۴/۶۰۲/۳۹۶	۲/۰۷۷/۲۳۰/۱۱۹	۳ ماه

از شرکت های واجد شرایط دعوت به عمل می آید جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۱ لغایت ۱۴۰۴/۰۶/۱۸ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

در شرایط یکسان اولویت با شرکت های بومی می باشد.

آخرین مهلت قبول پیشنهاد مناقصه گران ، از آخرین روز دریافت اسناد به مدت ۱۰ روز کاری در سامانه ستاد است حداکثر مهلت بازگذاری استاد در سامانه ستاد تا روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۳۱ ساعت ۱۹:۰۰ بعد از ظهر می باشد. ضمناً آخرین مهلت تحویل فیزیکی پاکت مناقصه روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۱ به اداره حقوقی و قراردادهای منطقه سه می باشد.

لایزم به ذکر است مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه برگ پیشنهاد قیمت می بایست از درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir صورت پذیرد و مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت نام را در سایت مذکور و دریافت گواهی امضا، الکترونیکی (توکن) را جهت شرکت در مناقصه را محقق نمایند.

پرداخت هزینه انتشار آگهی و وجوه قانونی سامانه ستاد به عهده برنده مناقصه می باشد.

شهرداری در رد یک یا تمام پیشنهادهای مختار می باشد.

– مبلغ سپرده شرکت در مناقصه فوق الذکر می بایست به یکی از دو طریق ذیل ارائه شود:

الف – فیش واریز مبلغ فوق به حساب شماره ۰۲۰۳۹۹۴۳۹۸۰۰۱ شهرداری اهواز نزد بانک ملی به نام شهرداری اهواز.

ب – بصورت ضمانتنامه بانکی به نام شهرداری اهواز و به مدت سه ماه از تاریخ افتتاح پیشنهادها.

تیسره – محل اعتبارات این مناقصه از بودجه جاری شهرداری (منابع داخلی) می باشد.

۴– تاریخ برگزاری کمیسیون مناقصه در ساعت ۰۹:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۲ در دفتر شهردار منطقه سه به آدرس فوق الذکر می باشد. حضور پیشنهاد دهندگان در جلسه مجاز می باشد.

۵– نتیجه برابر تصمیم اعضای کمیسیون به برنده اعلام خواهد شد. تا مراحل انعقاد قرارداد انجام شود.

۶– به استناد بند ۵ ماده ۱۱ آیین نامه معاملات شهرداری کلن شهرها میزان تضمین حسن انجام تعهدات ۵ ٪ درصد مبلغ پیشنهادی پیمانکار می باشد که پس از تحویل موقت آزاد خواهد شد.

۷– به برنده مناقصه پیش پرداخت داده نخواهد شد.

۸– برندگان اول و دوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده شرکت در مناقصه آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.

۹ – بر اساس ماده ۱۰ قانون اصلاح و تسری آیین نامه معاملات شهرداری تهران به کلانشهرها، شرکت در مناقصه و ارائه پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف شهرداری می باشد.

۱۰ – سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج شده است.

